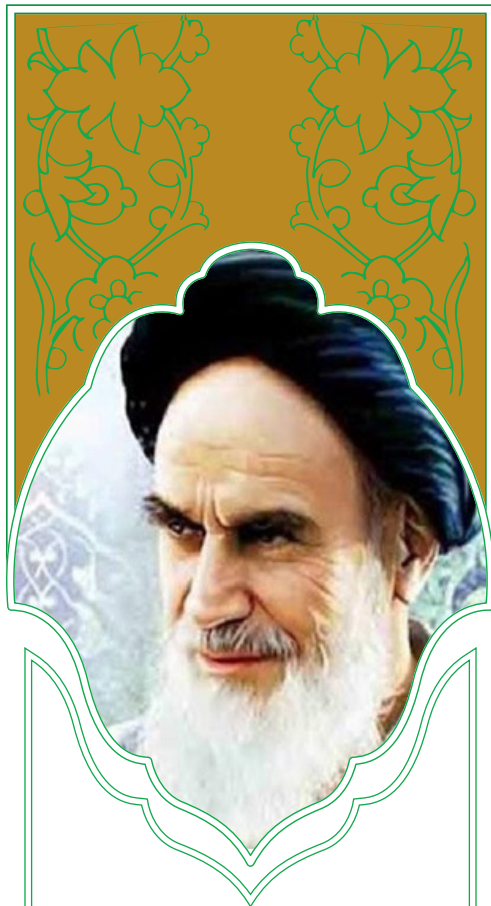


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آنچه را که شما ملت شریف و مجاهد برای
آن بپا خواستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان
و مال نثار کرده و می‌کنید والاترین و بالاترین
مقصودی است که از صدر عالم در ازل و ابد
هستی این جهان تا ابد عرضه شده است



دهه‌های آینده، دهه‌های شما است و
شما باید که باید کارآموده و پرانگیزه از
انقلاب خود دفاع کنید.

فهرست مطالب

- ۷ سرآغاز
- ۹ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: امید، اعتماد و تعهد
- ۱۷ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: علم و پژوهش
- ۲۵ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌های: معنویت و اخلاق
- ۳۱ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: اقتصاد
- ۳۹ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: عدالت و مبارزه با فساد
- ۵۷ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: استقلال و آزادی
- ۶۷ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: روابط خارجی و جبهه مقاومت
- ۷۵ کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی: سبک زندگی
- ۸۱ چند نکته پایانی



سر آغاز

ایران اسلامی در آستانه تحولاتی تعیین کننده برای قرن جدید در گام دوم انقلاب اسلامی است. انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ شکل دهنده نخستین دولت در گام دوم انقلاب اسلامی و دولت معمار قرن جدید است. لذا این اندیشگاه خود را موظف دید که نکاتی برگرفته از تأملات در چارچوب توصیه های رهبر فرزانه انقلاب را به مثابه رهیافت های عملیاتی بیانیه گام دوم برای دولت سیزدهم در اختیار ریاست محترم جمهور و دولت سیزدهم قرار دهد. قطعاً تحقق این انتظارات منوط به تحول گرایی، جوان گرایی و برخورداری از برنامه های راهبردی با رویکرد تعاملی و مدیریت انقلابی و جهادی و حفظ هویت و منافع ملی با اولویت حل مسائل اقتصادی به ویژه توجه به حمایت ها و رفع موانع برای جهش تولید و تداوم تولید انقلابی است.

آنچه پیش رو دارید، برآمده از اندیشه ورزی اندیشکده های هشت گانه این اندیشگاه است که از پیش از انتخابات در دستور کار اندیشگاه قرار گرفت و در چند مرحله مورد بررسی و امعان نظر قرار گرفته است. عنوان

اندیشکده‌های این اندیشگاه برآمده از توصیه‌های مصرّح رهبر معظم انقلاب دامت برکاته برای تداوم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم است. ویرایش نخست این مجموعه قبل از برگزاری انتخابات با این نیت تدوین شد که در اختیار کاندیداهای محترم قرار گیرد، ولی تقدیر چنان رقم خورد که با اصلاح و تکمیل، این مجموعه به عنوان «کاستی‌های کنونی و بایستگی‌های دولت سیزدهم در پرتو بیانیه گام دوم انقلابی اسلامی» تقدیم رئیس جمهور انقلابی حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر رئیسی و همکاران ارجمند ایشان می‌شود. خوشبختانه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رئیسی در چند نوبت بر توجه و تکلیف این دولت برای تحقق عینی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند و لذا امید می‌رود با تدبیر و پیگیری‌های لازم، این هدف در حد مطلوب محقق شود. قطعاً دبیران محترم اندیشکده‌ها و اعضای تدوین کننده آماده‌ی همفکری برای کمک به تحقق این بایستگی‌ها خواهند بود.^۱

من الله التوفيق و عليه التكلان

اندیشگاه بیانیه گام دوم

۱- این مجموعه، محصول اندیشه‌ورزی شورای هر اندیشکده است که در حد محدودی توسط شورای علمی آن اندیشکده اعتباربخشی شده است. از این رو در سیاق و سبک نگارش متن اندیشکده‌های مختلف نیز تفاوت‌هایی ملاحظه می‌شود.





۱. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

امید، اعتماد و تعهد



بیانیه گام دوم به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، به لزوم توجه به موضوع امید و نگاه خوش‌بینانه بر اساس واقعیت‌های عینی و به دور از دروغ و فریبکاری، به عنوان کلید تمامی قفل‌ها تأکید دارد؛ بدین منظور، اندیشکده «امید و اعتماد و تعهد» در راستای تحقق «نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد» که «مبارزه با ترس و ناامیدی» و «پرورش نهال امید به آینده» و «دورکردن» ترس و نومی‌دی از خود و دیگران» است، این موضوع مهم را در ارتباط با دولت سیزدهم به بحث و اندیشه‌ورزی گذاشته است.

شایان ذکر است رابطه بین امید، اعتماد و تعهد رابطه بین تلازم حق و تکلیف است، بدین معنی که تعهد به معنی تکلیف است و اعتماد بر پایه تعهد شکل می‌گیرد. سه گانه امید و اعتماد و تعهد عامل حفظ نظام‌های سیاسی هستند؛ لذا به موضوع امید و تبعیت آن از اصل اعتماد و تأثیرپذیری آن از مفاهیمی چون تعهد، شفافیت و پاسخگویی پردازیم. همچنین باتوجه به مسأله فاصله موجود میان این آرمان مهم و واقعیت‌های

موجود و ایجاد باور «ما می‌توانیم» در میان افراد، خانواده‌ها، جامعه و دولت‌ها، ضروری است در یک آسیب‌شناسی جدی، به شناسایی عوامل موثر در شکل‌گیری وضع موجود در هر یک از عرصه‌های فوق، ابتدا به مسئله‌یابی پرداخت و سپس متناسب با مسائل کلان و خرد احصاء شده، راهکارها و پاسخ‌های متناسب، برای دستیابی مجدد به امید، اعتماد و تعهد اجتماعی طرح و مورد بررسی قرار گیرد. این فراز از نوشتار چکیده‌ای است از مباحث مورد توجه این اندیشکده در چارچوب یادشده که مبتنی بر دو بخش جهت استحضار تقدیم می‌شود:

۱. بیان اهم عوامل موثر در کاهش امید و اعتماد و تعهد بین شهروندان ایرانی
۲. ارائه راهکارهای تقویت امید و اعتماد و تعهد

عوامل موثر در کاهش امید، اعتماد، تعهد در دو حوزه‌ی داخلی و خارجی

عوامل داخلی:

الف) کارگزاران حکومت

۱. به دلایل مختلف از جمله تبعیض در توزیع منابع عمومی، وجود فرهنگ قبیله‌سالاری، ویژه‌خواری و رانت‌خواری، پارتی‌بازی در میان کارگزاران حکومت و نیز به دلیل مدارا با مفسدان، فریبگران، سوءاستفاده‌گران اقتصادی و در کنار آن به دلیل غلبه سیاست‌زدگی و روزمرگی و سطحی‌اندیشی و مقطعی کار کردن میان برخی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران حکومتی در امور اجرایی و غیر اجرایی کلان و جزئی کشور، به جای توجه به تخصص‌گرایی و کل‌نگری، کم توجهی به شایسته‌سالاری



و جایگاه نخبگان در اداره کشور و نیز به دلیل غلبه منفعت‌گرایی‌های شخصی و جناحی و گروهی به جای منافع ملی که زمینه‌ساز عدم مشارکت مطلوب مردم در سیاست‌های کشور به خصوص در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شده است؛ شاهد نوعی ناامیدی، بی‌اعتمادی میان قشر نخبگانی و جوانان تحصیلکرده کشور و در سطح دوم میان سرمایه اجتماعی و عمومی نسبت به منافع جمعی و ملی و بلندمدت کشور هستیم. این امر سبب مهاجرت برخی سرمایه‌های نخبگانی و اجتماعی کشور و نیز کاهش اعتماد عمومی شده است.

ب) ساختار، برنامه و رویکردهای دولت

۱. عدم برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت دقیق و جامع و عدم توجه به عدالت اجتماعی در امور مختلف کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور که زمینه‌ساز خطای محاسباتی مسئولین در اداره امور کشور گردیده است و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی جدی به کشور وارد کرده و امید و اعتماد مردم را کاهش داده است.
۲. دولتی‌بودن اغلب بخش‌هایی که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست و خصوصی‌سازی افسارگسیخته و مفسده‌برانگیز بخش‌هایی که جنبه حاکمیتی دارند و اغلب لازم است دولت به این عرصه‌ها ورود داشته باشد.
۳. «عقلانیت ناکارآمد لیبرال سرمایه‌سالار» به جای «عقلانیت انقلابی» و ایجاد بحران اعتماد.
۴. تعهدزدایی و تعهد‌گریزی به جای عمل به تعهدات در دولت‌ها و انتخاب لسان طلب‌کار با مردم توسط دولت و کارگزاران به‌نحوی که این بیان به رسانه ملی هم رسیده و در همه موارد مردم مقصر اصلی و عمده هر وضعیت بحرانی در کشور شناخته می‌شوند.

۵. ناتمام گذاشتن تصمیمات و اقدامات و فعالیت‌های امیدساز و اعتمادآفرین یا کاهش سطح راهبردی این تصمیمات به امور نمایشی.

۶. بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی نسبت به اجرای شعارهای ابتدای دولت و تغییر جهشی در تنگناهای معیشتی زندگی مردم در ابتدا و انتهای هر دولت؛ در خطر قراردادن شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، غفلت از قشرهای نیازمند حمایت و مستضعفین جامعه.

ج) فرهنگ عمومی

۱. قانون‌گریزی و بی‌توجهی به روح قوانین در فرهنگ عمومی کشور که باعث عدم اجرای عادلانه قوانین در کشور گردیده است.

۲. شکل‌گیری امید گروهی و طبقاتی به جای امید اجتماعی، زیرا امید گروهی و طبقاتی، شکل‌گیری امید در میان یک گروه، قشر یا طبقه از مردم است و امید اجتماعی به معنی فراگیری روح امید در میان تمامی آحاد جامعه است؛ که همین امر باعث شده توجه به منافع ملی و شکل‌گیری وحدت و وفاق ملی در میان مردم کم‌رنگ شود. می‌توان از امید گروهی به عنوان شکل‌گیری امید کاذب یاد کرد و امید گروهی اگر با منافع طبقه حاکم همراستا شود - چنانچه گاه در تاریخ معاصر چنین اتفاقی افتاده است - منجر به کم‌توجهی به امید حقیقی و عدم بهره‌مندی اجتماعی از امید خواهد شد و جامعه را در حقیقت به قطبی شدن و ناامیدی خواهد کشاند.

عوامل خارجی

۱. تحریم‌های گسترده اقتصادی و نظامی در کنار تحریکات و تحرکات سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای دشمن در طول این چهل سال

۲. قدرت رسانه‌ای دشمن که توانسته با «تحلیل‌های مغرضانه»، «کوچک



نشان‌دادن حقیقت»، «کوچک نشان‌دادن محاسن» «بزرگ نشان‌دادن عیوب» و «وارونه نشان‌دادن پیشرفت‌ها و دستاوردها» امواج ناامیدی را در میان مردم ایران مخاپره کند و شاهد آن هستیم که به دلیل عدم سواد رسانه ای کافی و عدم قانون‌گزاری مطلوب در حوزه فضای مجازی به خصوص در یک دهه اخیر همان طور که رهبر انقلاب نیز اشاره داشتند در حوزه تبلیغات رسانه‌ای و جنگ رسانه‌ای در برخی جاها مغلوب دشمن شویم.

راهکارهای تقویت امید، اعتماد و تعهد در بین شهروندان ایرانی در سه دسته پیشنهاد می‌شود:

الف) کارگزاران حکومت

- انتخاب کارگزاران متعهد، متخصص و کارآمد طی فرآیندهای شفاف قانونی و شایسته‌سالارانه
- گفت‌وگو با مردم و صداقت رفتاری و گفتاری؛ «به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی»
- جلسات عمومی رؤسا و اعضای دولت نه در تصمیم‌گیری‌ها که در تصمیم‌سازی‌ها با نخبگان و عموم مردم از طریق اندیشکده‌ها و سایر حلقه‌های میانی

ب) ساختار و برنامه و رویکردهای دولت

- اصلاح ساختار نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی از طریق تمرکز زدایی و تحول در ظرف تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
- گسترش کارهای جهادی
- «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی» و «اعتقاد به اصل ما می‌توانیم»، اتکاء به توانایی داخلی

- بازتوزیع عادلانه فرصت‌ها
- سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور
- شفافیت برنامه‌ها، آراء و اقدامات دولت و ارائه گزارش، قابل رصد بودن برنامه‌ها توسط آحاد مردم
- تصدی‌گری نکردن دولت
- ایجاد یک نهاد نظارتی از دولت یا بیرون از آن برای رصد، ارزیابی و تطبیق فعالیت‌ها و اقدامات دولت مطابق با شعارهای رییس‌جمهور و ایجاد بستر برای نقد آزاد منتقدان، «دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع»
- بازنگرگی و تحول ساختاری در گلوگاه‌های اصلی مشکل‌آفرین کشور از جمله فساد اداری، نقش بسیار پررنگ دولت در اقتصاد و عدم نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد، پیشگیری از تشکیل نطفه‌ی فساد و مبارزه با رشد آن در راه استقرار عدالت
- اعلام حساب‌ها، میزان درآمدها، قرار داده‌ها و بیلان سالانه عملکرد دولت از طریق سامانه عمومی به صورتی که برای آحاد مردم قابل رؤیت باشد.
- جبران عملی خطاها به جای عذرخواهی‌های گفتاری صرف
- قابل فهم کردن برنامه‌های اقدام سالانه دولت؛ «برخورد هوشمندانه و مسئولانه با ابزار رسانه‌ای»

ج) فرهنگ عمومی

- بهره‌مندی از ظرفیت مشارکت مردمی همراه با ارتقاء بینش آحاد مردم
- بسترسازی کنشگری‌های اجتماعی؛ اعتلای قدرت مطالبه‌گری به



رسانه‌ها، به عنوان دیده بان اصلی مردم
- مشارکت طلبی متعهدانه مردم در پیشبرد برنامه‌های دولت؛ «سپردن
کار به دست یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن» و «مستعد و کارآمد
با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی»



۲. چالش‌ها [کاستی‌ها] و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

علم و پژوهش

بر اساس چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و نظرات خبرگانی میتوان چالش‌هایی را در نظام علم و پژوهش برآورد نموده و بایسته‌هایی را برای دولت آینده در جهت تحقق اهداف بیانیه و نیل به تمدن اسلامی ارائه نمود:

چالش ۱. ضعف هویتی و مبنایی در طراحی الگوهای توسعه‌ای و تحولی نظام علم و پژوهش

بایسته‌ها:

- تحول در علوم انسانی و فعال‌سازی بنیان‌های اسلامی در نهاد علم و پژوهش، آزاداندیشی و نظریه‌پردازی بومی در علوم با تاکید بر نیازها و اقتضائات ایرانی اسلامی

- طراحی مدل‌های بومی متناسب با اقتضائات فرهنگی و هویتی اسلامی در تدوین الگوهای مدیریتی، نظارتی، ارزیابی و ... در نظامات دانشگاهی و پژوهشی
- تقویت بعد فرهنگی و هویتی در اساتید و دانشجویان
- تحقق عدالت آموزشی در راستای نیل به اهداف متعالی انقلاب اسلامی

چالش ۲. ناهماهنگی‌ها و کژکارکردی‌های ساختاری و نهادی در تحقق اهداف نظام حوزه علم و پژوهش

بایسته‌ها:

- ایجاد انسجام و یکپارچگی در نهادهای سیاست‌گذار و مجری در تحقق اهداف علم و فناوری کشور
- کارآمد سازی نظام یکپارچه مدیریت دانش و پژوهش در راستای تحقق علم نافع
- ایجاد نظام سنجش و پذیرش کارآمد در جهت گزینش منابع انسانی کارآمد در نظام علم و پژوهش کشور
- اصلاح سازوکارها و آیین‌نامه‌های اثربخش در نظام علم و پژوهش همچون آیین‌نامه‌های رتبه‌بندی، ارتقای اساتید و ...
- ایجاد هماهنگی بیشتر بین دستگاه‌های اجرایی و مسئول در حوزه علم و فناوری جهت هم‌افزایی فرصت‌ها و جلوگیری از اتلاف منابع



چالش ۳. ضعف در فعال‌سازی ظرفیت‌های انسانی مستعد و بانگیزه در راستای نیل به اهداف علمی کشور

بایسته‌ها :

- پرورش نیروهای انسانی خلاق ، مبتکر و متعهد به ارزشهای والای انسانی و الهی
- تقویت نظام مهارت آموزی و کارآفرینی در جهت اشتغال دانش‌آموختگان
- ایجاد ظرفیت‌های علمی و فناورانه در جهت نگهداشت استعدادهاى برتر و جلوگیری از خروج نخبگان
- جهت دهی صحیح به منابع انسانی جوان کشور و ایجاد حس خودباوری در جهت اثربخش بودن در مسیر پیشرفت کشور
- توسعه زیست بوم دانش بنیان کشور در جهت بکارگیری و فعال‌سازی نیروهای جوان و خلاق در بخش‌های مختلف علمی و فناوری

چالش ۴. ضعف در ایجاد سازوکارهای اثرگذاری نظام علم و پژوهش بر حل مسائل کشور

بایسته‌ها :

- بازطراحی نظام آموزش و پژوهش در جهت نیازمحوری و ماموریت محور نمودن دانشگاهها و مراکز علمی تحقیقاتی کشور
- ناظر به آمایش سرزمینی
- تقویت سازوکارهای نظام علمی کشور در جهت تحقق اقتصاد دانش بنیان و رفع چالش‌های تولید ملی

- بازطراحی آئین‌نامه ارتقاء مرتبه علمی اعضای هیئت‌علمی با تأکید بر ساماندهی و تقویت جایگاه پژوهش‌های کاربردی و مسئله‌محور و تولید علم نافع

- طراحی نظام بودجه‌ریزی عملکردمحور پژوهش و فناوری و مکانیزم‌های تخصیص از طریق نهادهای واسطه نیاز محور / مسئله محور و ناظر به رفع مسائل احصا شده در آمایش سرزمینی

- الزام دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و حاکمیتی و سازمان‌های عمومی به تخصیص ۳ درصد از بودجه سالیانه به انجام فعالیت‌های پژوهشی و فناوری از طریق دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و فناوری، شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان و اعضای هیات علمی

چالش ۵. ضعف در گفتمان‌سازی و بسترسازی نیل به مرجعیت علمی جمهوری اسلامی ایران

بایسته‌ها :

- ترویج گفتمان استقلال علمی و خوداتکایی و تأکید بر ظرفیتهای داخلی در دستیابی به اهداف نظام علم و پژوهش و ترویج گفتمان توحیدی بر جهت‌گیری‌های علم و فناوری

- ایجاد سازوکارهایی در جهت گفتمان‌سازی و تحقق مرجعیت علمی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان با هم‌افزایی همه‌جانبه همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها

- برنامه‌ریزی دیپلماسی علم و فناوری بر مبنای علوم و رشته‌های دارای مرجعیت علمی نسبی و بر اساس نیازهای علمی و فناوری کشورهای هدف

- تسهیل سازوکارها و اختیارات دانشگاه‌ها در جذب دانشجو و تعامل با اساتید خارجی



- تسهیل سازوکارهای جذب دانشجویان خارجی به‌ویژه از کشورهای
محور مقاومت
- ترغیب و هم‌افزا نمودن ظرفیت نخبگان علمی ایرانی خارج از کشور
با حمایت از آن‌ها در جهت حل مسائل و نیازهای علمی کشور
- ترویج زبان فارسی به‌عنوان ظرف مرجعیت علمی
- اجرای برنامه مأموریت‌گرایی دیپلماسی علمی و توسعه همکاری‌های
علمی بین‌المللی به‌ویژه پروژه‌های مشترک و فرصت‌های مطالعاتی
به‌ویژه با کشورهای اسلامی و دوست

**چالش ۶. مشخص نبودن و تعیین نشدن نیازها و اولویت‌های
آموزشی، پژوهشی و فناوری کشور به تفکیک سطح ملی، مناطق
و استان‌ها**

بایسته‌ها :

- احصاء نیازها و اولویت‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری کشور به
تفکیک ملی، مناطق و استان‌ها
- تعیین علمی و دقیق ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی، مناطق و استان‌ها
- مطالعه آمایش علم و فناوری از مجموعه مطالعات تدوین سند ملی
آمایش سرزمین به راهبری مراکز متخصص در این عرصه
- تدوین برنامه توسعه علم، فناوری و نوآوری (STI) استان‌ها در
قالب برنامه‌های اقتصاد مقاومتی

چالش ۷. ضعف در نظریه‌پردازی، تولید معرفت جدید و سیاست‌پردازی خصوصاً در حوزه علوم انسانی

بایسته‌ها :

- تقویت نظام جذب جامعه دانشگاهی به سمت نظریه‌پردازی و تولید علم و ترویج کرسی‌های نظریه‌پردازی
- ایجاد اندیشه‌سکده‌ها و مراکز اندیشه‌ورزی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی و حضور و شرکت جدی مسئولان در آن جهت هم‌اندیشی و پاسخگویی
- تحول در رشته‌ها و سرفصل‌های آموزشی از حافظه‌محور به مهارت‌محور و ارتقاء کیفی رشته‌های علوم پایه، علوم انسانی و اسلامی و نظارت جدی بر کیفیت فعالیت‌های آموزشی به‌ویژه در دوره‌های کارشناسی
- اولویت دادن به تحول در نظام آموزشی مدارس با هدف ارتقا سطح خودباوری و بینش انقلابی و تربیت سربازان عصر ظهور که پیشرو در عرصه علم و فناوری هستند.
- توسعه کرسی‌های نظریه‌پردازی و فضای نقد در بین جامعه دانشگاهی

چالش ۸. نامتناسب بودن سطوح عرضه و تقاضای دانش‌آموختگان با نیازهای کشور

بایسته‌ها :

- آمایش و مأموریت‌گرا کردن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و رشته‌های تحصیلی و متناسب‌سازی نظام سنجش و پذیرش دانشجویان آن
- بازنگری برنامه‌ها و محتوای آموزشی و درسی دانشگاه‌ها در چارچوب آمایش آموزش عالی و با تأکید بر چهار اصل؛ روزآمدسازی،



کارآمدسازی، بومی‌سازی و اسلامی‌سازی و در تعامل با دستگاه‌ها و فعالان اقتصادی - اجتماعی در هر منطقه

- تشکیل بانک مسائل علمی و پژوهشی مورد نیاز نهادها و صنایع کشور به منظور استفاده دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای تعیین عنوان پایان نامه و رساله

- راه‌اندازی و توسعه مراکز مهارت، نوآوری و اشتغال در دانشگاه‌ها به منظور زمینه‌سازی اشتغال دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

- اجرای صحیح و کامل قوانین حوزه شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و توسعه اشتغال دانش‌بنیان، مؤثر و مولد

- اجرای سیاست‌ها و قوانین اجرانشده مرتبط با اشتغال؛ مانند آئین‌نامه نظام صلاحیت حرفه‌ای نیروی انسانی

چالش ۹. عدم وجود سامانه‌های لازم به منظور تحقق مردمی سازی دولت در عرصه علم و فناوری

بایسته‌ها :

- طراحی سامانه‌ها، پلتفرم‌ها و سازوکارهای بنیادین جهت ارتباط و هم‌افزایی ظرفیت‌های مردمی و نخبگانی با مسئولین و تصمیم‌گیران - نظام بخشیدن و جمع‌سپاری چالش‌ها و مسائل علم و فناوری به اندیشکده‌های فعال در این حوزه

چالش ۱۰. ضعف بهره‌برداری از ظرفیت شرکت های دانش بنیان در توسعه صادرات

بایسته‌ها :

- تامین بازارهای داخلی و خارجی برای محصولات دانش بنیان با رویکرد ایجاد رقابت بین شرکت های فعال در این حوزه
- ایجاد الزام در خریدهای نهادها و شرکت های دولتی و عمومی از محصولات دانش بنیان داخلی
- سوق دادن فعالیت شرکت های دانش بنیان به حوزه های ارزش آفرین (نظیر تکمیل زنجیره ی ارزش صنایع معدنی و نفت و گاز) و حوزه های آسیب پذیر کشور از تحریم ها
- جلوگیری از مخدوش شدن اعتبار و جایگاه شرکت های دانش بنیان با پرهیز از حمایت های بدون حساب
- جلوگیری از ورود شرکت ها و مؤسسات وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی به عرصه هایی که بخش خصوصی فعالی برای تولید محصولات دانش بنیان وجود دارد.





۳. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

معنویت و اخلاق

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» و حکمرانان «اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را بازور و فریب، جهنمی کنند... دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده‌دارند که باید هوشمندانه و



کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره‌ی پیشرو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود»^۱ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

کاستی ۱: علی‌رغم تأکیدات رهبری برخی کارگزاران نظام قول و فعل مبتنی بر اخلاق ندارند و این نقیصه هم موجب فقدان روابط حسنه‌ی سیاسی میان مسئولین و هم دل‌زدگی ملت شده است.

بایسته‌ها:

- رعایت اخلاق انتخاباتی در همه‌ی مراحل انتخابات از سوی خود نامزدها و حامیان آنها.
- تهیه‌ی بستر رسمی برای مراقبت و تذکر مداوم از سوی مردم نسبت به دولتمردان. با توجه به ظرفیت اصل هشتم قانون اساسی در این حوزه، قانون‌گذاری در راستای اجرای بهینه آن ضروری است.
- شاخص‌سازی قابل‌ارزیابی برای فضیلت و رذیلت‌های اخلاقی و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های معنوی جهت‌گزینش بهتر دولتمردان در کنار گزینش‌های تخصصی.

کاستی ۲: انقلاب اسلامی حرکتی بر محور عدالت و معنویت برای مبارزه با استکبار و طاغوت بود، اما اکنون پس از گذشت چهار دهه از آن، متأسفانه هنوز روح اشرافی‌گری، خود بزرگ بینی، فریب‌کاری، دنیاطلبی و فساد در لایه‌هایی از حکمرانان مشاهده می‌شود.



بایسته‌ها:

- ترسیم الگوی حکمران مطلوب جمهوری اسلامی و طراحی فرایند تربیت آن
- تقویت بنیه معنوی مدیران بر پایه خضوع و خشوع و تقویت حس «خادم القوم» بودن آن‌ها
- مقابله با خلیقات استکباری در همه شئون حاکمیتی اعم از سیاست و اقتصاد و فرهنگ
- تقبیح خوی کبر و خودپسندی و ارزش بخشی بر ساده‌زیستی
- ایجاد نهادی قدرتمند برای پیگیری و رصد دقیق و منظم عملکرد مدیران و گزارش بهنگام مصادیق عدم صداقت
- ایجاد شفافیت ساختاری در فرایند تصمیم‌سازی، فعالیت‌های اقتصادی و اموال و درآمدهای حاصل شده در طول مدیریت مدیران
- تبیین علمی حدود و ثغور داریی مسئولین در نظام اسلامی و ظرفیت‌سازی برای اجرای بهینه قوانین مرتبط نظیر قانون رسیدگی به داریی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون الحاق موادی به قانون نحوه اجرای اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی

کاستی ۳: انقلاب اسلامی به‌مثابه‌ی یک فرایند تربیتی با هدف انسان‌سازی شکل گرفته است و برای تداوم خود نیز به تربیت مستمر نیاز دارد، اما امروز شاهد فقدان الگوی دقیق و محصل در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور هستیم و تربیت نسل جدید به‌صورت هدفمند و یکپارچه صورت نمی‌گیرد.

بایسته‌ها:

- پیگیری دقیق و با جدیت سند تحول آموزش و پرورش
- بازنگری اساسی گزینش معلمان و ساختارهای تربیت‌معلم در کشور و اهتمام به تربیت‌معلمان شایسته و اهل معنویت و اخلاق.
- تقویت بنیه نهاد تربیت معلم.
- شاخص سازی قابل ارزیابی برای فضیلت و رذیلت‌های اخلاقی و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های معنوی جهت ایجاد امکان ارزیابی در خروجی‌های نظام آموزشی
- توجه خاص به گسترش اخلاق و معنویت در تدوین کتب درسی و برنامه‌های پرورشی و فوق‌العاده مدارس
- تمرکز بر آموزش عالی برای پیگیری فرایند تربیت در سطوح بالاتر

کاستی ۴: تاریخ گواه آن است که مردم ایران همواره دارای روحیه‌ی معنوی بالایی بوده و همواره برمدار اخلاق حرکت کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر رشد معنوی عموم مردم با عقب‌افتادگی مواجه بوده است.

بایسته‌ها:

- هدف‌گذاری و تعیین اولویت‌های جامعه در عرصه اخلاق و معنویت و برنامه‌ریزی و رصد مستمر بر اساس شاخص‌های احصا شده
- ارائه تصویر دقیق از مدل مطلوب جامعه‌ی اسلامی در حوزه‌ی معنویت و اخلاق و تهیه‌ی نقشه‌ی راه رسیدن به آن
- ریل‌گذاری برای شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منظور اقامه‌ی



اخلاق و معنویت و به دست خود مردم
- فعال کردن نقش بیشتر مساجد و آسیب‌شناسی ابتلائات آن در
راستای حرکت به سمت معنویت عمومی در تراز انقلاب اسلامی

کاستی ۵: یکی از ضرورت‌های انکار نشدنی دوران جدید داشتن
رسانه‌هایی قوی و اثرگذار و درعین حال سلامت برای آگاه‌سازی،
ارتباط و رشد مردم است. اما غلبه‌ی روح سرمایه‌داری غربی بر
رسانه‌های امروز آن‌ها را تهی از معنای اصیل و آکنده از خطر و
تهاجم کرده است.

بایسته‌ها:

- داشتن طرح و الگویی دقیق از رسانه‌ی دینی و تلاش برای تحقق آن
- تبیین مفهوم رسانه دینی و تولیدات معنوی و اخلاقی با پاسخ به
دوگانه بردار یا برآیند.
- کمک به تولید محصولات اخلاق و معنویت محور، دارای جذابیت
در حوزه فرهنگ و هنر.
- جلوگیری از تولید محصولات فرهنگی هنری ضد اخلاق و معنویت.

کاستی ۶: سلب مسئولیت دولت‌ها از خود برای تقویت و کمک
به حوزه‌های علمیه، مساجد، حلقه‌های میانی و نهادهای سستی
فعال در عرصه اخلاق و معنویت.

کاستی ۷: ناکارآمدی ساختار کنونی آرایش و ساختار فرهنگی کشور.

بایسته‌ها:

تحول انقلابی در ساختار فرهنگی کشور



۴. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

اقتصاد



«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است.» بر همین مبنا الگوی مطلوب اقتصاد در گام دوم انقلاب، تبیین، گفتمان‌سازی، تدوین و پیاده‌سازی الگوی «اقتصاد مقاومتی» است که بتواند شرایط کشور را از وضعیت «اقتصاد ضعیف» که «نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.» به «اقتصاد قوی» که «نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است» تغییر دهد. اقتصادی که «عملکردهای ضعیف» در گام اول انقلاب که «اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است» و موجب پدیدار شدن مشکلات متعددی در زندگی مردم «از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن» شده است را با سرعت بالایی جبران کند. اقتصادی که «فقر و غنا» در آن کم‌رنگ شود و وسیله‌ای برای نیل به اهداف «جامعه‌ی اسلامی» باشد. اقتصادی که «مستقل»، «مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت»، «توزیع عدالت محور»، «مصرف به‌اندازه و بی اسراف»، و «مناسبات مدیریتی خردمندانه» است. این اقتصاد می‌تواند «چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن» را

«در صورت اصلاح مشکل درونی» یعنی «عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی»، «کم اثر و حتی بی‌اثر» کند و «تأثیر شگرفی بر زندگی امروز و فردای جامعه» داشته باشد.

تهیه و تدوین «برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخش‌های» الگوی «اقتصاد مقاومتی» می‌بایست مبتنی بر «سیاست‌های اقتصاد مقاومتی» باشد تا «عیوب» بزرگ اقتصاد کشور از جمله «وابستگی اقتصاد به نفت»، «دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست»، «نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی»، «استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور»، «بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن»، «عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد» و «عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی» را با «درون‌زایی اقتصاد کشور»، «مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن»، «مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت»، «برون‌گرایی» با استفاده از ظرفیت‌های «طبیعی و انسانی کم‌نظیر» کشور برطرف سازد. به ثمر نشستن این سیاست‌ها تنها «با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت» و «پیگیری و اقدام» بی‌وقفه «یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت» و با «مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می‌توانیم» امکان‌پذیر خواهد بود. «دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد» و دولت‌های گام دوم انقلاب و در وهله اول دولت سیزدهم به‌عنوان اولین دولت در گام دوم انقلاب، می‌بایست با این مختصات شکل بگیرد. در دولت سیزدهم نباید گفتمان ضد‌مقاومتی «غفلت زدگان» که «منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود» وجود داشته باشد؛ یعنی این «گمان» و «تحلیل سراپا



«غلط» که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است.» نباید در دولت سیزدهم مبنای عمل قرار گیرد بلکه باید «همه‌ی راه حل‌ها در داخل کشور» جستجو شود؛ یعنی «مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند» (با فعال کردن و بهره‌گیری از) «نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی» و «فرصت‌های مادی کشور»، «درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند.» دولت سیزدهم باید با اعتقاد به اینکه «ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است.» با اتکا به «جوانان مؤمن و پُرتلاش» و با «تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیت‌های استفاده‌نشده»، موجبات ارتقاء «پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی» را فراهم کند.

«ظرفیت‌های طبیعی و انسانی کم‌نظیر» و «امیدبخش کشور» شامل «نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی» به واسطه «۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی»، «نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی»، «رتبه‌ی دوّم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی»، «انبوه جوانانی که باروحيه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند» و «جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند» و همچنین «فهرستی طولانی» از «فرصت‌های مادی کشور» از جمله «دارا بودن یک درصد جمعیت جهان»، «دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان»، «منابع عظیم زیرزمینی»، «موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب

و شمال و جنوب»، «بازار بزرگ ملی»، «بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت»، «سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی»، و «اقتصاد بزرگ و متنوع» است که بسیاری از آن‌ها «دست‌نخورده مانده است».

در این راستا بایسته‌های عرصه‌ی اقتصاد در چهار حوزه «بازتعریف و اصلاح نظام اقتصادی»، «رونق و جهش تولید»، «شفافیت و مبارزه با فساد اقتصادی» و «دیپلماسی اقتصادی» ارائه می‌شود:

بایسته‌های حوزه بازتعریف و اصلاح نظام اقتصادی

- بازتعریف و اصلاح رویکردها، نگرش‌ها و راهبردهای اقتصادی مبتنی بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی
- بازتعریف و اصلاح نهادها، بازیگران و ذینفعان اقتصادی از جمله وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی، شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های حصولتی، تعاونی‌ها، بانک مرکزی، و غیره مبتنی بر اقتصاد مقاومتی
- بازتعریف و اصلاح قوانین، فرآیندها و نظامات اقتصادی از جمله نظام بانکی، نظام مالیاتی، نظام بیمه، نظام گمرک، نظام توزیع یارانه، نظام ارزی، نظام بهره‌وری، نظام توزیع، نظام اقتصادی سلامت، نظام اقتصادی آموزش و غیره مبتنی بر اقتصاد مقاومتی
- ارتقاء شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، اشتغال، آزادی اقتصادی، رقابت‌پذیری جهانی، سهولت کسب‌وکار، نوآوری جهانی، کارایی بازار کالا، بازار محصول، سرانه درآمد خانوار، ارزش پول ملی، ضریب جینی، توسعه صنعتی، فلاکت، پیچیدگی اقتصاد، فضای کسب‌وکار، میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی
- پیاده‌سازی عدالت اقتصادی در اقشار مختلف مدیریتی، کارگری،



کارمندی و کارفرمایی و همچنین عدالت اقتصادی در زمینه‌های مختلف جنسیتی، سنی، منطقه‌ای، شهری و روستایی، دینی و مذهبی، طبقات اجتماعی در فعالیتهای اقتصادی

بایسته‌های حوزه رونق و جهش تولید

- ایجاد تحرک در پیمانکاران تولید
- کاهش هزینه‌های تولید
- اشتغال‌زایی مولد
- کنترل کامل فعالیتهای تولیدی
- کنترل هوشمند واردات
- تقویت زنجیره، تأمین، تولید، و توزیع کالا و خدمات
- کنترل بازارهای غیرمولد
- کنترل دقیق بازار کالا و خدمات
- مقابله با قاچاق
- ارتقاء استانداردها و کیفیت کالاها و خدمات
- توجه به اصل شایسته‌سالاری به‌ویژه در خصوص مدیران بخش‌های تولیدی و شفافیت در انتصابات و حقوق و دستمزد و مزایا
- ارتقاء فناوری و فرآیندهای تولید
- تأمین، تولید و توزیع فناوری‌ها و کالاها و خدمات استراتژیک
- خنثی‌سازی اثرات تحریم بر تولید داخل و صادرات و مبادله مالی
- بهره‌برداری از ظرفیتهای ملی، منابع انسانی و مزیت‌های بومی و منطقه‌ای
- جذب سرمایه‌گذاری عمومی
- مقابله با خام‌فروشی

- رشد و ارتقاء اقتصاد دانش بنیان
- رشد و ارتقاء اقتصاد دیجیتال
- رشد و ارتقاء اقتصاد فرهنگ
- اصلاح اقتصاد رفتاری و اصلاح الگوی مصرف و حفظ محیط زیست و منابع نسل های آینده
- ارتقاء شاخص های تولید شامل نوآوری، سهولت کسب و کار، رقابت پذیری، سطح فناوری، انعطاف کسب و کار

بایسته های حوزه شفافیت و مبارزه با فساد اقتصادی

- شفافیت در انتصابات مدیران، شرایط مدارک تحصیلی، رزومه و سابقه کاری، حقوق و دستمزد و مزایای مدیران.
- شفافیت در حوزه عملکرد اقتصادی معاونت ها، وزارتخانه ها، شرکت ها، و بنگاه ها.
- شفافیت در نحوه ریزهزینه کرد بودجه، نحوه تأمین مالی دولت، نحوه واگذاری و اسناد پیشرفت و هزینه کرد پروژه ها برای مردم.
- هوشمند سازی اقتصاد و پیاده سازی کامل دولت الکترونیک.
- مبارزه با حقوق نجومی، قاچاق، بدهکاران بانکی، رانت، تبعیض، قبیله گرایی.
- شفافیت چگونگی بهره برداری از سرمایه های عمومی و ملی و چگونگی توزیع و تخصیص بودجه و تسهیلات بانکی، چگونگی واگذاری و تصاحب املاک، چگونگی خصوصی سازی و اهلیت در واگذاری و تصاحب بنگاه های دولتی، شفافیت کامل در مزایده ها و مناقصه ها.
- شفافیت عملکرد بانک ها و مؤسسات مالی - اعتباری، کارگزاری های بورس، شفافیت مالکیتی و مالیاتی بنگاه های خصوصی.



- شفافیت در زنجیره تأمین و تولید و توزیع کالا و خدمات در کشور.
- شفافیت بازارهای غیرمولد.
- شفافیت بازار کالا و خدمات.

بایسته‌های حوزه دیپلماسی اقتصادی

- برقراری دیپلماسی عمیق، بلندمدت و دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی.
- خنثی‌سازی تحریم‌ها و استقلال از اثرگذاری آمریکا و اروپا بر مبادلات مالی و واردات و صادرات کالاها و خدمات کشور.
- توسعه مبادلات اقتصادی با کشورهای همسایه.
- تقویت و تشویق سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه‌نیافته.
- تقویت اقتصادی کشورهای حوزه مقاومت.
- دیپلماسی اقتصادی حوزه کشورهای شرقی.
- جذب سرمایه‌گذاری خارجی.
- ایجاد و تکمیل کمربندهای استراتژیک ترانزیت.
- توسعه بنادر و تجارت دریایی.
- ایجاد قطب‌های اقتصادی جهانی با محوریت ایران.



۵. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

عدالت و مبارزه با فساد



بیانیه گام دوم در آغازین توصیه‌هایش جوانان را، به سعادت‌مندی، اقتدار و عزت‌مند نمودن نظام اسلامی فرا می‌خواند. که این مهم در سایه‌ی مجاهدت علمی و معنوی نیروی جوان مبتکر، خلاق، مؤمن و متعهد میسر خواهد شد. هر کدام از این گزاره‌ها در حقیقت شکل دهنده‌ی مؤلفه‌های اصلی و اساسی نظام اسلامی، در جهت رسیدن به عزت و اقتدار، در سایه‌ی گسترش عدالت و مبارزه با فساد در عرصه‌ی اقتصاد، سیاست - اجتماع و اخلاق است.

جوان متعهد، مؤمن و کاردان در گام دوم، موتور پیش برنده‌ی نظام اسلامی را هنگامی فعال و پویا خواهد ساخت که قرائت‌های عدالت سوسیالیستی و کاپیتالیستی که برگرفته از اندیشه‌ی ماتریالیستی است را با منطق علمی و اخلاقی کنار زده و در میدان واقعی و عملی، جرعه‌ای از آن را به مشاهدات عینی بدل سازد. این مهم علاوه بر مجاهدت علمی و معنوی نیروی جوان،



نیازمند تحوّل و همّت بلند و مجاهدانه کارگزاران و حکمرانان جامعه در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، قضایی، اخلاقی و سایر عرصه‌های وابسته به آن است.

گسترش عدالت و ساحت‌های گوناگون آن، علاوه بر زمینه‌سازی شکل‌گیری دولت اسلامی، مدلی نوین از حکمرانی را به‌رخ جهانیان خواهد کشاند که در آن ساحت‌های گوناگون علمی، ملی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و ... مبتنی بر ایمان و اعتقاد به توحید در جامعه‌ی اسلامی شکل گرفته و علاوه بر عمق‌بخشی به ساختار درونی نظام، زمینه‌ساز بوجود آمدن «تمدن عظیم اسلامی» خواهد شد.

از طرفی تحقق واقعی و عینی گام دوم نظام اسلامی در این عرصه و سایر بخش‌ها مرهون تلاش و جهاد علمی و معنوی نسل جوان انقلاب در پرتو مدیریت حکمرانانی است؛ که با مجاهدت عینی و عملی در تحقق عدالت و مبارزه با فساد گام‌های مؤثر و سازنده‌ای برداشته و در رفع موانع همّت کنند. این مهم با الگوی مبنا و معیار قرار گرفتن سخن و سیره‌ی امامین انقلاب اسلامی، بدون شک قابل تحقق خواهد بود. زیرا عدالت، بنیان انقلاب اسلامی است و مادام که محقق نگردد، مهم‌ترین هدف انقلاب، در عرصه‌ی اجتماعی تحقق پیدا نکرده است. هرچند تحقق واقعی و کامل آن با ظهور و حضور آن خورشید ولایت عظیم‌ارواحنای فداه محقق می‌شود. «ولی به‌صورت نسبی همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه، به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است». (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) به‌همین جهت نفوذ موریانه‌وار فساد در عرصه‌های مختلف حکمرانی، از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زننده در مسیر تحقق هدف مقدس جمهوری اسلامی و آرمان بلند آن - «تمدن نوین اسلامی» - است؛ که مبارزه و از بین بردن آن، رهین تلاش مجاهدانه کارگزاران و حکمرانان جامعه با رفتار



قاطع و منصفانه علوی، به صورت توأمان خواهد بود. زیرا ظهور این مهم در جامعه، مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی را اعتلاء خواهد بخشید. براساس دیدگاه «امام خمینی قدس سره» انقلاب اسلامی، محدود به ایران نبوده و بلکه نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان با پرچمداری حضرت حجتارواحنافداه، خواهد بود. به همین جهت اگر مدیران لحظه‌ای از وظیفه‌ای که نسبت مسائل اقتصادی و مادی بر عهده دارند، غافل شوند خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. بنابراین مسئولان کلان نظام اسلامی بایستی با جهاد و مبارزه جدی علیه فساد و فحشای سرمایه‌داری غرب و تجاوز کمونیزم، قدم‌های جدی و استوار برداشته و از کسی جز خدای تعالی نهراسد. (ر.ک: ۱۳۶۸/۰۱/۰۲) زیرا هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان، از ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها؛ به همین جهت حراست از انقلاب و آرمان بزرگ آن به نسل جوان و کارآموده سپرده شده است. (ر.ک: بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

عدالت و مبارزه با فساد

تحقق عدالت و پیشرفت به صورت توأمان، که ابتدایی‌ترین گام آن در کنار رفتن رژیم ننگین سلطنت استبدادی و تبدیل شدن آن به حکومت مردمی و مردم‌سالاری رقم خورده است؛ هنگامی در جامعه به گونه عینی و واقعی امکان پذیر است که مهم‌ترین کاستی‌ها در عرصه عدالت‌ورزی و مبارزه با فساد برداشته شود. «[زیرا] فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها، اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است.» (بیانیه

گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) بنابراین برای تحقق عدالت، مبارزه با فساد در تمامی زمینه‌های مورد اشاره لازم و ضروری خواهد بود. چراکه مهم‌ترین بایستگی‌ها نیز باید با محوریت مفاد مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در مدیریت کلان و میانی جامعه - که تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان حکمران جامعه هستند - صورت پذیرد. براین اساس در خصوص وجود کاستی‌ها که عرصه‌های کلان رخنه فساد را در بردارد، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

کاستی‌های ناشی از فساد اقتصادی

۱- فساد اقتصادی:

- مهمترین عنصری که آن را بوجود آورده است، جریان نفوذ در مدیریت کلان و ارشد تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جامعه است که می‌تواند این موارد از حوزه‌های فساد را رقم بزند:
- ۱-۱- فساد اداری: از مهم‌ترین مظاهر وقوع این فسادها و ریشه‌های شکل‌گیری آنها نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - ۱-۱-۱- اسراف در بیت‌المال و «هزینه‌های زائد و مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی».
 - ۱-۱-۲- نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی.
 - ۱-۱-۳- خویشاوندگرایی در عرصه‌های مختلف حکمرانی.
 - ۱-۱-۴- «ویژه‌خواری» یا بهره‌مندی از رانت‌های اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، مانند: بازار سرمایه، نظام بانکی، شهرداری‌ها و ...
 - ۱-۱-۵- شکاف عمیق نظام بانکداری با اقتصاد اسلامی.



- ۶-۱-۱- اختلاس و دزدی در سازمان‌های دولتی و خصوصی.
- ۷-۱-۱- قاچاق کالا و ارز.
- ۸-۱-۱- فقدان الگوهای مصرف بهینه، در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی.
- ۹-۱-۱- فساد مالی برخی از کارگزاران در نظام اداری کلان و خرد.
- ۱۰-۱-۱- واردات بی رویه بوروکراسی اداری، نظامات غربی.
- ۱۱-۱-۱- رواج ارتشاء و رشوه در برخی از سیستم‌های اداری کلان و میانی.
- ۱۲-۱-۱- عدم وجود شفافیت و پاسخگویی در فعالیت‌های نظام اداری.
- ۱۳-۱-۱- باند بازی و نفوذ حزبی. (حزب‌گرایی)
- ۱۴- جعل و پرونده‌سازی - سوء استفاده از اختیارات قانونی.
- ۱۵- پولشویی، زمین‌خواری، پاداش‌های هنگفت مدیریتی و وجود پورسانت‌های نامشروع در بین برخی مدیران.
- ۲-۱- چالش‌های تولید ملی و با کیفیت: که در این ساحت نیز می‌توان به این موارد اشاره نمود:
- ۱-۲-۱- عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی. (نفوذ در ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حمایت از تولید و ناکارآمدی مدیریت ارشد).
- ۲-۲-۱- بالا بودن هزینه تولید با کیفیت.
- ۳-۲-۱- اقتصاد تک محصولی و خام فروشی. (وابستگی به نفت)
- ۴-۲-۱- عدم موفقیت در استفاده از نقدینگی در مسیر تولید توسط دولت، بخش خصوصی، بانک‌ها، مؤسسات مالی و



اعتباری و بازار سرمایه.

۱-۲-۵- ضعف مدیریتی و نظارتی بر تسهیلات بانکی.

۱-۲-۶- اولویت نداشتن تولید، در نظام بانکی.

۱-۲-۷- رقیب بودن دولت با بخش خصوصی در اقتصاد.

۱-۲-۸- ضعف در اقتصاد آموزش عالی و تأمین مالی نظام علم و فناوری.

۱-۲-۹- ضعف در آموزش و اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی.

۱-۲-۱۰- ناکارآمدی نظام مالیاتی.

۱-۲-۱۱- ثبت نشدن مبادلات مالی در بخش واسطه‌گری و عدم تبعیت از قوانین مالیاتی.

۱-۲-۱۲- نوسان نرخ ارز و سیستم توزیع نامناسب.

۱-۲-۱۳- کیفیت پایین برخی از کالاهای تولید داخل.

۱-۲-۱۴- پایین بودن سطح دانش فنی و عدم ارتباط عمیق بخش تولید و دانشگاه.

۳-۱- بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن: که عامل مهمی در به‌وقوع پیوستن برخی از موارد زیر است:

۳-۱-۱- شکاف‌های عمیق طبقاتی و عدم التفات به کاهش ضریب جینی.

۳-۲-۱- ضعف و ناکارآمدی برخی از بخش‌های دولتی در ریزه‌زینه‌کرد بودجه و نحوه تأمین مالی دولت. همچنین ضعف در نحوه واگذاری و اسناد پیشرفت و هزینه‌کرد پروژه‌ها، برای مردم.

۳-۲-۱- گره خوردن اقتصاد کشور به سیاست خارجی دولت.



- ۴-۲-۱- افزایش بی‌رویه نقدینگی و خلق پول، که تورم کنونی جامعه را بوجود آورده است.
- ۵-۲-۱- توزیع ناعادلانه درآمدها.
- ۶-۲-۱- به‌وجود آمدن شبکه‌های تعارض منافع در مدیریت منابع مالی و بودجه‌ریزی.
- ۷-۲-۱- کسری بودجه مزمن و پایدار.

بایسته‌ها

برای برون رفت از کاستی‌های عنوان شده، اقدامات و راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- وجود دستگاه ناظر و کارآمد: پیگیری و عزم جدی در زمینه ایجاد دستگاه ناظر و کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در درون قوای سه‌گانه به‌منظور پیگیری مستمر مبارزه با فساد در درون دستگاه‌های حکومتی.

۲- اقدام و عمل: اجرای واقعی و عملیاتی الگوی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در دستگاه‌های اجرایی کشور.

۳- شایسته‌محوری: ارتقای شایسته‌محوری و حرفه‌ای‌گری در بخش حکمرانی متوقف است بر ارزش‌های خدمت عمومی و حکمرانی مطلوب. چراکه بخش حکمرانی بایستی تلاش کند تا افراد متخصص و واجد شرایط، که تعهد عمیقی به ارزش‌های درستکاری خدمات عمومی دارند، به‌کار گیرد. (الزام بخش‌های گوناگون دولتی به انتصاب‌ها از مدیران «متعهد و متخصص» و ارائه دادن مدل‌ها و شیوه‌های جذب این نیرو و کنترل آنان، توسط نهادی

نظارتی قوی و شفاف.)

۴- افزایش توان تسهیلات دهی بانک‌ها، به‌سمت تولید با وجود نظارت مرکزی مستقیم یا غیر مستقیم، همراه با برداشت موانع و پیچ و خم‌های اداری.

۵- استفاده و همراهی لازم با بخش خصوصی به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی همراه با اصلاح ساز و کارهای تسهیلات‌دهی به بنگاه‌های این بخش و همچنین با نظارت شفاف و قوی.

۶- تسهیل تأمین مالی بنگاه‌ها از کانال بازار سرمایه.

۷- هدایت نقدینگی به‌سمت بازار سرمایه با مدیریت و حفظ دارایی سرمایه‌گذاران.

۸- افزایش تولید و پیشرفت اقتصادی پایدار همراه با نظارت مستقیم دولت پویا و کارآمد.

۹- تعامل و همراهی قوای سه‌گانه، جهت حل مشکلات اقتصادی کشور که با بی‌عملی سالیان گذشته.

۱۰- گره زدن اقتصاد کشور به سیاست خارجی و حمایت از تولید ملی به مثابه عمل نه شعار.

۱۱- حذف هزینه‌های زائد و مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی، با وجود سیستم‌های نظارتی.

۱۲- مدیریت ریسک: به‌وجود آمدن یک نظام موثر کنترل و مدیریت ریسک درستکاری، در سازمان‌های بخش دولتی.

۱۳- شکل‌گیری کار تحوّل‌ی لازم با پدیده اسراف و اشرافی‌گری در مسؤلان نظام.

۱۴- مبارزه جدی با ویژه‌خواری و انواع قاچاق، که به اقتصاد کشور



- لطمه می‌زنند. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱)
- ۱۵- برخورد جدی و قانونی با مجرمان و اخلاص‌گران اقتصادی در میدان عمل.
- ۱۶- اصلاح ساختار بودجه؛ اصلاح نظام بانکی، اصلاح نظام مالیاتی یا اصلاح قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، که کارهای بلندمدت، مهم و ماندگار است. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)
- ۱۷- جدّیت در پیگیری کارهای وعده داده شده پس از ایام انتخابات. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)
- ۱۸- صادرات موادّ نفتی و معدنی به صورت فرآوری شده؛ که هم مولّد و هم اشتغال‌زایی را به دنبال دارد.
- ۱۹- اهتمام به سرمایه‌گذاری: ایجاد رونق اقتصادی، برای افزایش تولید و جهش تولید، اساس آن، سرمایه‌گذاری است. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)
- ۲۰- لزوم تقویت ارزش پول ملی: با تقویت تولید، پول ملی تقویت خواهد شد. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲)
- ۲۱- رشد شتابان اقتصاد، به‌وسیله‌ی اقتصاد دانش‌بنیان [ممکن] خواهد شد. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲)
- ۲۲- تحول در نظام آموزشی: نیاز به تحول در نظام آموزشی کشور، چه در حوزه تعلیم و تربیت و چه در حوزه آموزش عالی، از محوری‌ترین امور در تعلیم اقتصاد دانش‌بنیان است.
- ۲۳- از بین بردن فاصله و شکاف طبقاتی: عدالت اقتصادی به معنای واقعی، هنگامی محقق می‌شود که در مدل حکمرانی دولت اسلامی، مسئله‌ی معیشت طبقات فقیر و اختلاف و شکاف طبقاتی از بین برود.

- ۲۴- بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره‌وری عوامل تولید با
 - اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی.
 - کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت تولید.
 - اتخاذ انواع تدابیر تشویقی و تنبیهی.
 - بهینه‌سازی تعامل عوامل تولید. (رهبر معظم انقلاب:
 ۱۳۹۱/۱۱/۲۴، ابلاغ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار
 و سرمایه‌ی ایرانی).
- ۲۵- ارتقاء استانداردها و کیفیت کالاها و خدمات و ارتقاء فناوری
 و فرآیندهای تولید.
- ۲۶- پاکسازی فساد اداری با کمک عملیات تصفیه، راه‌اندازی
 هیات‌های ضد فساد، کمیسیون‌ها و نظایر آن.
- ۲۷- پرداختن به مقوله از بین بردن تعارض منافع در عرصه‌ی
 تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری.
- ۲۸- اجبار به اجرای قانون: فساد اداری و سایر موارد نقض
 درستکاری، کشف، استفسار و دارای ضمانت اجرایی شوند.
- ۲۹- اشراف: نهادهای نظارتی، نهادهای اجرایی تنظیم‌کننده قانون
 و دادگاه‌های اداری، کنترل بیرونی را انجام دهند.
- ۳۰- تحقق شفافیت در عرصه تصمیم‌گیری‌ها و اداره کشور، و ارائه
 گزارش شفاف از کارها در میدان عمل.

۲- فساد مبتنی بر ترک فعل:

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در ایجاد یأس و ناامیدی بین
 عموم مردم، وجود پدیده نامبارک فساد در عرصه معنویت و اخلاق،



وجود ترک فعل در بین مدیران کلان و میانی جامعه است؛ که برخی از آنان علاوه بر نداشتن قول و فعل مبتنی بر اخلاق، ترک فعل‌هایی دارند که هم خاستگاه فساد است و هم زمینه‌ساز فساد. به‌همین جهت این موضوع کاستی‌هایی را در بین عموم جامعه بویژه جمعیت جوان و نوظهور جامعه، بوجود آورده است و از نظر قانون ابلاغی مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ توسط رئیس وقت قوه قضائیه مبتنی بر «نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن» قابل پیگرد است؛ به‌همین جهت، در این بین می‌توان به این موارد اشاره نمود:

کاستی‌های مبتنی بر ترک فعل

- ۱- به‌وجود آمدن دل‌زدگی و فقدان روابط حسنه‌ی سیاسی میان مسئولین و مردم.
- ۲- وجود روح اشرافی‌گری، خود بزرگ‌بینی، فریب‌کاری، دنیاطلبی و فساد در لایه‌هایی از حکمرانان جامعه.
- ۳- اصالت پیدا کردن لذت‌گرایی و روحیه تجمل و عافیت‌طلبی در بین برخی مدیران به‌همراه تضييع سرمایه‌ها، اموال و موجودی‌ها.
- ۴- راحت‌طلبی و آماده نبودن برخی مدیران در مواجهه با مشکلات؛ و میل آنان به سازش و زندگی خوشگذران و مرفه.
- ۵- فقدان الگوی دقیق و محصل در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور.
- ۶- کم‌رنگ شدن روحیه انقلابی و مجاهدانه مدیران ابتدای انقلاب نسبت به وضعیت موجود.



- ۷- فقدان وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری و بی‌انضباطی برخی مدیران.
- ۸- وجود عیوب ساختاری در فرهنگ اداری و سازمانی مدیران ارشد و میانی.
- ۹- وجود حرص و ضعف ایمان، به‌عنوان عوامل شخصیتی و فردی برخی مدیران.
- ۱۰- کمرنگ شدن و از بین رفتن اعتماد عمومی نسبت تصمیم‌های مدیریتی کشور.

بایسته‌ها

- ۱- به‌وجود آوردن سلامت اخلاقی و معنوی در نظام اداری که بسترساز کار و آرامش برای مردم است.
- ۲- استفاده از شیوه‌های بیداری وجدان، یادآوری معاد و مجازات در نظام تشویق و تنبیه.
- ۳- تبدیل شدن وجدان کاری، انضباط اجتماعی و انضباط اقتصادی؛ به فرهنگ عمومی در بین مدیران و مسئولین کشور.
- ۴- ارتقاء فرهنگ درستکاری عمومی بین مدیران دولتی با همکاری با بخش خصوصی، جامعه مدنی و افراد حقیقی.
- ۵- تقویت روح تقوا و فداکاری در مدیریت ارشد و میانی کشور. (تغییر نگاه به تقوا به‌مثابه طرحی برای اداره جامعه).
- ۶- نهادسازی و مقابله با خوی تجمل‌گرایی، اشارفی‌گری و...
- ۷- احیاء فرهنگ ارزشمند دهه نخستین انقلاب در عرصه زهد انقلابی و ساده‌زیستی در میان مسئولان در عین پرهیز و احتراز از زهدفروشی.
- ۸- نشان دادن التزام و تعهد در بالاترین سطوح سیاسی و مدیریتی



در بخش دولتی برای تقویت درستکاری عمومی و کاهش فساد؛ که این تعهد مدیریتی در سطوح بالا، چارچوب‌های قانونی و نهادی لازم را ایجاد کرده و استانداردهای بالایی از تناسب فردی را به نمایش می‌گذارد.

۹- تجلی و آشکار شدن اجرای دستورالعمل‌های نظری و عملی دینی در مدیریت کشور. (پیروی از دین و دستورالعمل‌های آن توسط مدیران در بخش‌های گوناگون حکمرانی).

۱۰- برخورد اداری با مدیران ناقض وجدان کاری، اجتماعی و انضباطی.

۱۱- رعایت الگوی مهار خویشتن و خواهش‌های نفسانی در برابر محرّمات الهی توسط مدیریت کلان و میانی کشور.

۱۲- گشودگی: نگرانی‌های مربوط به درستکاری در محل کار، به طور آشکار و آزادانه مورد بحث قرار گرفته و موارد مشکوک به نقض درستکاری، بدون تهدید گزارش شده و تصمیمات لازم جهت برخورد اتخاذ گردد.

۳- فساد ناشی از سیاسی - اجتماعی

از دیگر عواملی که علاوه بر کاهش امیدواری به آینده در بین عموم جامعه، آنان را به مشارکت‌های اجتماعی: از قبیل نوع دوستی، مواسات، و ... بی‌انگیزه و دل‌سرد می‌کند.

کاستی‌های ناشی از فساد سیاسی - اجتماعی

۱- کاهش مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، در برخی دوره‌ها.

۲- غفلت و بی‌توجهی برخی مدیران، از قشرهای نیازمند حمایت‌های دولتی.

- ۳- رخنه بی‌ثباتی سیاسی در برخی دوره‌های حکمرانی.
- ۴- وجود فساد حقوقی و قضایی در مدیران حقوقی و قضایی.
- ۵- مدارا با فریب‌گران اقتصادی توسط مدیران قضایی.
- ۶- وجود برخی بی‌قانونی‌ها، فرار از قانون و دور زدن قانون در بین مدیران.
- ۷- اعتماد به جوانان، حضور جوانان در صحنه انقلاب، استفاده از جوانان، جوان‌گرایی، [به عنوان عنصر سرنوشت‌ساز] انقلاب اسلامی. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳)
- ۸- بی‌اطلاعی مردم از پیچ‌وخم‌های حقوقی و قضایی در اثر فقدان آموزش عمومی، و کثرت مراجعات به دادگستری.
- ۹- غرب‌باوری: غلبه نگاه به غرب و فرهنگ مهاجرت در برخی اساتید و دانشگاهیان. (این پدیده ناشی از مفید دانستن مدل توسعه مادی و خطی غرب و توجه نداشتن به پشتوانه تئوریک غرب، است).
- ۱۰- گرایش برخی مدیران، به فرهنگ سیاسی و اجتماعی مبتنی بر لیبرالیسم.
- ۱۱- ضعف و نارسایی در اجراء قوانین، توسط مدیران آموزش و پرورش.
- ۱۲- غفلت و بی‌توجهی به آرمان‌های انقلاب بویژه به فراموشی سپردن یا تحریف مدل حکمرانی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی.
- ۱۳- تساهل‌گرایی دینی در عرصه سیاسی و اجتماعی و بی‌توجهی به اصول بنیادین بیان شده در قرآن و سنت. (در بخش‌هایی از تصمیم‌های مدیریتی از این الگو غفلت شده و بخش‌هایی از آن، در آثار مکتوب و هنرهای تصویری قابل مشاهده است).



۱۴- کم‌کاری و افت کاری مدیران ارشد و میانی.

۱۵- نبود نظارت بر برنامه‌های صدا و سیما و فیلم‌های سینما.

۱۶- افزایش کسب‌های حرام به ویژه ربا.

۱۷- بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی برخی مدیران.

بایسته‌ها

۱- پاسخ‌گویی مدیران به صورت شفاف و حق اظهار نظر عمومی.

۲- شایسته‌سالاری و ضابطه محوری به‌جای رابطه‌سالاری و خویشاوندگرایی.

۳- اعتماد و میدان دادن به جوانان باایمان، جهادگر، منبع‌الطبع با دست‌های پاک و دل‌های نورانی در عرصه مبارزه با فساد و تحقق عدالت.

۴- استانداردها: تعیین استانداردهای بالا از رفتار برای مقامات و ادارات عمومی. (به عبارتی قوانین و ارزش‌های بخش عمومی در قوانین و سیاست‌های سازمانی منعکس شده و به‌طور مؤثر ابلاغ شود).

۵- شایسته محوری: ارتقای شایسته محوری و حرفه‌ای‌گری در بخش عمومی متوقف است بر ارزش‌های خدمت عمومی و حکمرانی مطلوب. بخش عمومی بایستی تلاش کند تا افراد متخصص و واجد شرایط را که تعهد عمیقی به ارزش‌های درستکاری خدمات عمومی دارند، به‌کار گیرد.

۶- ثبات سیاسی و نبود خشونت: هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب، امتیاز بالاتری را کسب می‌کند.

۷- حاکمیت قانون و قانون‌گرایی در بین مدیران ارشد و میانی جامعه.

۸- رویکرد توسعه سیاسی و دموکراسی: این رویکرد سبب شکل‌گیری دولتی شده که وظیفه و نقش اصلی آن در توسعه و تقویت نهادهای دموکراتیک در جامعه است. که براساس آن، دولت باید دموکراسی را در جامعه نهادینه ساخته، تا افراد بتوانند در پرتو آن آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بپردازند.

۹- لزوم آموزش عمومی [مسائل] حقوقی و قضائی به مردم. (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹)

۱۰- نظارت مستقیم مدیران بر اجرای درست و سازوکارهای قوانین موجود.

۱۱- تقویت و ارتقاء روحیه خودباوری و اتکاء بر توان داخلی در مدیران و اساتید دانشگاه‌ها. (این مدل نیازمند شیوه‌ها و ابزارهای گوناگونی است که علاوه بر آموزش، به الگوهای واقعی و عینی جهت تحقق در عرصه‌های مختلف، نیاز دارد).

۱۲- پی‌جویی و پیگیری آرمان‌های انقلاب در تحقق عدالت اجتماعی در ساحت‌های سیاسی، علمی، تمدنی، اخلاقی و معنوی.

۱۳- فراهم‌سازی بسترهای آمادگی فرهنگی و اخلاقی برای نسل جوان در مقابله با ترویج پلورالیسم، شکاکیت، شک در مسلمات و اولیات اعتقادی و تسامح و تساهل در آن‌ها. (برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب: ۱۳۸۱/۱۲/۰۶)

۱۴- ملزم ساختن سازمان‌های اداری دولتی و غیر دولتی به پاسخگویی و نظارت قوی بر آن‌ها.

۱۵- تقویت مبانی اعتقادی و اخلاقی مردم جامعه به صورت میدانی و عملیاتی.



جمع‌بندی

امروزه خط‌مشی‌های اساسی و کلان در کشورها به‌منابه یک دستگاه سنجش به کار می‌رود و کشورها بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده در این دستگاه ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شوند. این اصل در ایران با مبنا و معیار قرار گرفتن منظومه فکری امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی در ساحت‌ها و عرصه‌های گوناگون قابل تحقق واقعی و عملیاتی است. توضیح آن‌که این اندیشه برگرفته از مبانی صحیح دینی بوده و تجربه‌ی چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی - چه در ابتدای آن و چه در ادامه مسیر تا کنون - در برابر آحاد جامعه، قابل مشاهده است. زیرا در این چهار دهه، هرگاه مدیران ارشد و میانی از این مدل حکمرانی الگو گرفته، موفقیت‌های چشم‌گیر عملی در حوزه‌های گوناگون علمی، فنی، فرهنگی، سیاسی (خارجی و داخلی)، اقتصاد و تحقق عدالت در انحاء گوناگون آن، پزشکی و ... به‌دست آمده است؛ و هرگاه از آن اندیشه فاصله گرفته شده و به مدل‌های جایگزین - چه از روی غفلت و تغافل، و چه از روی پیروی از جریان‌های تأثیرگذار در تصمیم‌گیری‌ها - وابسته شده‌اند؛ خسارت‌های زیانباری به آحاد جامعه و بخش‌های گوناگون حکمرانی تحمیل شده است.

اکنون که هدف‌گذاری مدیریت کشور، جهت تحقق عینی و واقعی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تمام حوزه‌های اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و ... می‌باشد؛ لازم و ضروری است در میدان‌های مختلف تصویر شده در این بیانیه، که سرنوشت این نظام در آینده به‌دستان آنان سپرده خواهد شد؛ مدیران ارشد و میانی



کشور ضمن آن که آینده‌گان عملکرد ایشان را به قضاوت خواهد نشست؛ به‌گونه‌ای در رفع کاستی‌های بوجود آمده در این چهار دهه پیشینی عمل نمایند، که مسیر و راه را جهت رساندن به قله‌های افتخار - یعنی تحقق تمدن نوین اسلامی - هموار سازند. هرچند رسیدن بدین منظور به معنای واقعی کلمه با حضور تنها ذخیره‌ی الهی‌عجل الله تعالی فرجه الشریف - البته با زمینه‌سازی‌های انجام شده - رقم خواهد خورد.

اما امروز و در این عصر و در این میدان جمهوری اسلامی، بایستی دل‌های مسئولان و مدیران، برای رفع محرومیت‌ها، شکاف‌های عمیق طبقاتی تپیده و به شدت نسبت به آن بیمناک باشد. برای استقلال و آزادی وطن بکوشد، توزیع منابع عمومی را عادلانه در میدان عمل تحقق بخشد، از ویژه‌خواری‌ها بکاهد، در انتقال تجربه‌ها به نسل جوان و تزریق ایشان در مدیریت متعهدانه و مسئولانه کشور بکوشد، ارزش‌های والای اسلامی را در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مبنا قرار داده و در پایان در جملگی عرصه‌های نامبرده شده و رفع کاستی‌های آن، با حرکت در مدار فکری امامین انقلاب نهایت تلاش و جدیت خویش را به‌کار ببندد؛ تا شکوه‌مندترین مدل حکمرانی که به مبانی توحیدی تعلق دارد، محقق شود.





۶. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

استقلال و آزادی



استقلال و آزادی از اساسی‌ترین ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که همواره راهنمای حرکت و پویای آن در ۴ دهه گذشته جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی بوده است. «استقلال به معنای آزادی ملت و حکومت از تحمیل قدرتهای سلطه‌گر و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری، عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند.» این نگاه، در برابر معنای تحریف‌شده‌ی استقلال و آزادی است که استقلال را به معنای انزوای کشور، زندانی کردن سیاست و اقتصاد در میان مرزهای خود؛ و آزادی را به معنای هنجارشکنی و عدم التزام به اخلاق، قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی، تعریف می‌کند.

تاکید بیانیه گام دوم بر آزادی و استقلال نشان دهنده اهمیت این دو مقوله در میان ارزشهای انقلاب اسلامی و ضرورت توجه به این دو در سیاست‌گذاری‌ها و نوع تعامل دولت با ملت است. بر این اساس،

همه مسئولان و نهادها به ویژه دولت جمهوری اسلامی ایران، موظف به حراست و پاسداشت این دو ارزش بنیادین در گام دوم انقلاب اسلامی بوده و بایستی تمامی امکانات و ظرفیتها موجود را در این زمینه بکار گیرند. در ادامه برخی از کاستی‌ها و بایسته‌های مطرح در این باره مورد اشاره قرار می‌گیرد:

چالش ۱: نقض حاکمیت و استقلال سایبری جمهوری اسلامی ایران
فضای مجازی کشور در شرایط کنونی عمدتاً در سیطره‌ی بیگانگان و دشمنان کشور قرار دارد و این وضعیت رهاشده، آسیبها و چالشهای فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای را برای کشور به وجود آورده است. از سویی سبب نفوذ سایبری بیگانگان و نقض استقلال سایبری کشور شده و از سویی، ضمن دسترسی دشمنان به کلان‌داده‌های ملی، فرهنگ و هویت ایرانیان را مورد حمله و تهدید قرار داده است و همچنین، ثبات و پایداری اقتصادی و کسب و کارهای مجازی را به مخاطره خواهد انداخت.

بایسته:

- تکمیل شبکه ملی اطلاعات در سه بعد زیرساخت، سرویس و محتوا: اصلی‌ترین عنصر در راستای تحقق حاکمیت و استقلال سایبری ج.ا.ا، تکمیل شبکه ملی اطلاعات در سه بعد زیرساخت، سرویس و محتواست و بدون تحقق این سه بعد، حاکمیت و استقلال سایبری ج.ا.ا محقق نخواهد شد و آسیبها و تهدیدات برآمده از این حوزه، کمینه نمی‌گردد. آن چه تاکنون از شبکه ملی اطلاعات عملیاتی شده، عمدتاً در حوزه زیرساخت قابل تعریف است و متأسفانه غفلتی راهبردی از دو بعد دیگر صورت پذیرفته که بایستی مورد توجه فوری و جدی دولت آینده قرار گیرد.



چالش ۲: ضعف حمایتگری از نهادهای مردمی و مدنی و عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت آنان در حوزه حکمرانی و سیاستگذاری عمومی

فراتر از موانع و چالش‌های متعدد تاریخی، فرهنگی و... یکی از کاستی‌ها مطرح در راستای رشد و اثرگذاری نهادهای مردمی و مدنی در جامعه ایرانی، ضعف حمایتگری دولتهای گوناگون از آنان بوده است که متأسفانه این وضعیت کماکان تداوم دارد و میتواند آسیب‌ها و تهدیدات جدی همچون تضعیف کارآمدی، کاهش و بی‌ثباتی مشارکت، تحدید آزادی سیاسی و ... در پی داشته باشد.

بایسته:

- تقویت نهادهای مردمی و مدنی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت آنها در حکمرانی و سیاستگذاری عموم: توسعه حمایت‌های مادی و معنوی از نهادهای مردمی و مدنی و بهره‌گیری از ظرفیت آنان در امر حکمرانی و سیاستگذاری عمومی، از سویی به تقویت مردم‌سالاری دینی و توانمندسازی جامعه مدد می‌رساند و از منظری، زمینه‌سازی برای گسترش نقش‌آفرینی و بهره‌گیری از ظرفیت آنان در مدیریت کشور، سبب توسعه کارآمدی و اثربخشی سیاستها و اقدامات خواهد شد.

چالش ۳: توسعه رویکرد سازش و غربگرایی در میان برخی مسئولان، نخبگان و نهادهای

در سالهای اخیر و به دلایل گوناگون، در برابر گفتمان و رویکرد مقاومت که راهنمای عمل نظام ج.ا.ا از ابتدای انقلاب اسلامی بوده، رویکرد سازش

و غرب‌گرایی در میان برخی از مسئولان، نخبگان و نهادها توسعه یافته است. این پدیده، ضمن تهدید وجودی برای هویت نظام ج.ا.ا، امنیت و منافع ملی، در عمل نیز چالش‌های کارکردی متعدد و متنوعی را برای نظام سیاسی ایجاد کرده و در نتیجه، فشار قابل توجهی را در سالهای اخیر بر زندگی مردم وارد آورده است.

بایسته:

- پابندی و تاکید بر گفت‌وگو و رویکرد مقاومت جهت پیشبرد امور و رفع مشکلات کنونی: تجربه چند دهه گذشته مویده آن است که تنها راه برون رفت از مشکلات و دستیابی به پیشرفت و عزت ملی، باور و پابندی عمیق به گفت‌وگو و رویکرد مقاومت و اثربخشی آن است و این امر کاملاً منطبق با گفت‌وگو انقلاب اسلامی است. واضح است که عمده چالش‌ها و تلخی‌هایی که در گذشته برای ملت ایران نیز حاصل شده است، حاصل غفلت از این امر مهم بوده و اکنون بیش از هر زمانی، باور و پابندی به گفت‌وگو و رویکرد مقاومت، حلال مشکلات و پیشبرنده امور کشور است؛ تجربه نیز نشان در هر زمان و موضوعی، مدیران کشور پابند این رویکرد بوده‌اند، نتایج و دستاوردهای مطلوبی برای مردم حاصل آمده است.

چالش ۴: ضعف نظارت عمومی و موانع متعدد جهت برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز

در مردمسالاری دینی، حضور مردم در صحنه سیاسی و اجتماعی و نظارت بر قدرت، به ویژه در راستای تحقق اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر، امری مبنایی و حیاتی است. با این وجود، موانع و کاستی‌های متعدد



اجرایی، رویه‌ها و ... عملیاتی شدن حداکثری نظارت عمومی و همچنین، برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز را در جامعه مشکل ساخته است.

بایسته:

- تسهیل نظارت عمومی و برگزاری نشست‌های آزاداندیشانه و نقادانه نسبت به دولت: نیاز است تا دولت آینده، در راستای توسعه شفافیت و ارتقای کارآمدی، نظارت عمومی و مدنی بر دولت را تسهیل کند و بسترها و الزامات تحقق حداکثری آن را فراهم آورد. همچنین، برداشتن موانع موجود و تسهیل برگزاری نشست‌های آزاداندیشانه و تجمعات مسالمت‌آمیز بایستی در دستورکار قرار گیرد.

چالش ۵: توسعه نقش آفرینی نهادها و رژیم‌های بین‌المللی و تحدید حاکمیت و استقلال ملی

توسعه جهانی شدن، گسترش رژیم‌ها و نقش نهادهای بین‌المللی که عمدتاً همسو با ارزش‌ها و منافع قدرت‌های غربی است، بیشک تهدیدی جدی برای استقلال و حاکمیت ملی ج.ا.ا می‌باشد؛ به ویژه آن که ارزشها و منافع ج.ا.ا دارای زاویه جدی با ارزشها و منافع قدرتهای غربی و جبهه استکبار است.

بایسته‌ها:

- استحکام‌بخشی به ساخت درونی در ابعاد مختلف و توسعه قدرت ملی
- توسعه نگاه حقوقی و چندجانبه‌گرایی در روابط خارجی

چالش ۶: فروکاست بازدارندگی در برابر پروژه نفوذ و افزایش نقش آفرینی و اثرگذاری بیگانگان بر فضای داخلی کشور (به ویژه در حوزه افکار عمومی، مشارکت سیاسی و ...)

پروژه نفوذ به عنوان کلان‌راهبرد دشمنان برای استحاله، تغییر جهت‌گیری و تقابل هویتی با نظام ج.ا.ا. مستمراً در قالب الگوهای جدید و پیچیده، بازتولید و اجرایی می‌شود و این امر نقش آفرینی و اثرگذاری آنان بر فضای داخلی کشور را افزایش داده است؛ با این وجود راهبردها و رویکردهای داخلی عمدتاً تک‌بعدی، تقلیل‌گرایانه، فاقد نوآوری و ... بوده و این امر بازدارندگی در این حوزه را حداقلی ساخته است.

بایسته‌ها:

- توسعه بازدارندگی و قدرت نرم و رسانه‌ای کشور
- ارتقای سرمایه اجتماعی نظام ج.ا.ا. و مقابله موثر با آسیب‌های اجتماعی
- پاسداشت ماهیت اسلامی و جهت‌گیری‌های انقلابی نظام ج.ا.ا. و پایبندی به گفتمان انقلاب اسلامی

چالش ۷: آسیب‌پذیری استقلال ملی از منظر اقتصادی و فرهنگی

امروزه عمده‌ترین تهدید و آسیب‌پذیری استقلال ملی در حوزه اقتصادی مطرح است و رهبر معظم انقلاب نیز تقویت و استحکام‌بخشی به اقتصاد ملی را اولویت کنونی کشور می‌دانند. راهبرد دشمنان نیز برای وادار ساختن ج.ا.ا. به سازش و همگرایی با غرب، حفظ ساختار تحریم‌ها و فشار حداکثری در این حوزه است و این راهبرد در آینده نیز تداوم خواهد یافت. همچنین با توجه به قدرت رسانه‌ای دشمنان، تهدیدهای آنها علیه



هویت و فرهنگ ایرانی اسلامی که اساس استقلال کشور است، روندی فزاینده را طی می‌کند و میتوان گفت کماکان در این دو حوزه، آسیبپذیری استقلال ملی بالاست.

بایسته:

تقویت ساخت دورنی قدرت و حداکثرسازی بازدارندگی و تاب‌آوری اقتصادی و فرهنگی کشور: موثرترین و پایدارترین بستر تقویت استقلال ملی، دستیابی به بازدارندگی و تاب‌آوری اقتصادی و فرهنگی است. بر این اساس، پیگیری و پابندی به «درون‌زایی»، «تقویت هویت ملی و فرهنگ اسلامی ایرانی»، «توسعه و تقویت نظام رسانه‌ای و تبلیغاتی»، «تدوین و اجرای الگوهای پیشرفت بومی»، «تحقق اقتصاد مقاومتی و دانش‌بنیان» و...، مهم‌ترین اولویت دولت آینده می‌باشد.

چالش ۸: ضعف همگرایی برنامه‌ها و اقدامات حوزه اجرایی با سیاست‌های کلی نظام

سیاست کلی نظام به نوعی چارچوب و جهت‌گیری کشور در همه عرصه‌های حکومتی است و از این رو، همه قوا باید از این سیاست‌ها پیروی و در تنظیم برنامه‌ها و اقدامات خود بدان توجه نمایند و تخطی از آن، خلاف مصلحت و منافع ملی است. با این وجود متأسفانه در سالهای اخیر به ویژه در حوزه اجرایی، میزان همگرایی برنامه‌ها و اقدامات با این سیاست‌ها، بسیار پایین بوده است و این امر تبعات منفی و چالشهای جدی را در پی داشته است.

بایسته:

- همسویی و همگرایی حداکثری برنامه‌های و اقدامات دولت در حوزه‌های مختلف (نظام اداری، آموزش و پرورش، برنامه و بودجه و ...) با سیاست‌های کلی نظام: انسجام و همگرایی در مدیریت کشور و دستیابی به اهداف کلان نظام، ایجاد میکند تا سیاست‌گذاری، برنامه و اقدامات در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه اجرایی، دارای حداکثر انطباق و همسویی با سیاست‌های کلی نظام باشد. همچنین «تدوین سازوکار درون قوه‌ای برای نظارت و کنترل این همسویی» در بخش‌های گوناگون و زیرمجموعه‌ها، مهم و ضروری است.

چالش ۹: فروکاست کارآمدی، اعتماد عمومی و مشارکت سیاسی جمله

ضعف باورمندی به گفتمان انقلاب اسلامی در امر حکمرانی و فقدان جهتگیری انقلابی و رویکرد جهادی در مدیریت اجرایی کشور در سال‌های اخیر، سبب توسعه ناکارآمدی و در نتیجه، فروکاست سرمایه اجتماعی شده و این امر اثرات منفی بر اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و همگرایی سپهر مدنی و رسمی داشته است. بدون شک فروکاست سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی، پیشبرد اهداف کلان و ایجاد تحول در کشور را با چالش و مانع جدی مواجه می‌سازد.

بایسته‌ها:

- باور به نظریه نظام انقلابی و تعالی آن: مفهوم نظام انقلابی نقطه عطفی ماندگار و نوآورانه در گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رود که ناظر بر پویایی و تحول مستمر و سازنده در راستای آرمانهای



انقلاب اسلامی، بالندگی سیاستها، نظامات و ... است. در چنین نظامی، خودباوری و خودسازی انقلابی، آرمانگرایی واقع‌بینانه، اصول‌محوری و پویایی، تکلیف‌گرایی و ... از ویژگیهای برجسته است که کارگزار انقلابی بایستی بدان متعهد و پایبند باشد. بر این اساس، از الزمات اصلی تقویت نظام انقلابی، ماهیت انقلابی، بصیر، راهبردی و تحول‌آفرین کارگزاران است. نظام انقلابی با پشتوانه اندیشه اسلام ناب و نفی سلطه شرق و غرب و طرح نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و ظلم‌ستیزی، اصلی‌ترین ظرفیت دستیابی به تمدن نوین اسلامی است - تحول‌الگوی حکمرانی و مدیریت اجرایی کشور و انطباق حداکثری آن با گفتمان انقلاب اسلامی: آن گونه که اشاره شد، الگوی حکمرانی و مدیریت کلان در حوزه اجرایی، دارای فاصله قابل توجهی با گفتمان انقلاب اسلامی، نیازها و ضرورت‌های کشور بوده و از این جهت شکاف زیادی را میان واقعیت‌های کنونی و آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی ایجاد کرده است و عملاً ادامه چنین الگوی مدیریتی، سبب غلظت از ظرفیتها و سرمایه اجتماعی، تداوم و تعمیق چالشها و توسعه نارضایتی عمومی خواهد شد. بر این اساس، تحول‌الگوی حکمرانی و مدیریت کلان کشور و تطبیق حداکثری آن با گفتمان انقلاب اسلامی و در پیش گرفتن رویکرد جهادی و انقلابی، از اولویتهای اساسی برای ایجاد تغییر و تحول سازنده در وضع موجود است که میتواند تاثیر مثبت و مستقیم بر مشارکت سیاسی و اعتماد عمومی جامعه داشته باشد. مدیریت انقلابی و جهادی بایستی عدالت‌محور و ضد تبعیض، مردم‌پایه و دانش‌بنیان، استقلال‌طلب و آزادی‌خواه، آرمان‌خواه و واقع‌گرا، درون‌زا و بیرون‌گرا، توسعه‌دهنده آزادی‌های مشروع و متعهد به تحقق آرمانهای بلند انقلاب اسلامی باشد.





۷. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

روابط خارجی و جبهه مقاومت



سیاست خارجی عرصه تصمیم و تدبیر برای تحقق اهداف و بیشینه‌سازی منافع و امنیت ملی است. در این میان حفظ تمامیت ارضی، پیشرفت اقتصادی و هویت‌یابی ارزشی-فرهنگی در عرصه بین‌الملل مهم‌ترین ستون‌های منافع و اهداف ملی به شمار می‌رود. در این راستا کنش معطوف به منافع ملی، مبتنی بر دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (حفظه‌الله) مستلزم رعایت سه اصل؛ «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» آن‌چنان‌که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده، است. ایشان در «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» الزامات خارجی پیشروی کشور را به‌طور ویژه دربند «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» مورد اشاره قرار دادند که طبق آن با راهنما قرار دادن سه اصل فوق‌بایستی ایران آینده، محور نظم منطقه‌ای مبتنی بر مقاومت و کشوری مؤثر در سطح بین‌الملل به جهت تغییر در مناسبات جهانی و ایجاد یک نظم بین‌المللی مؤمنانه مبتنی بر «صلح عادلانه» به شمار آید. این سه اصل راهبردی بر دوگانه اندیشی در ایجاد و فاصله بین «انقلابی‌گری و عقلانیت»، «میدان



و دیپلماسی»، «مذاکره و مقاومت»، خط بطلان کشیده و روشن می‌سازد که بین حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی و سیاست عقلانی، رابطه‌ای ماهوی وجود دارد.

لازم به توضیح است که؛ «اندیشکده جبهه مقاومت و روابط خارجی» ذیل «اندیشگاه بیانیه گام انقلاب اسلامی» اندیشکده‌ای معطوف به زمینه‌سازی اقامه عینی و گفتمانی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در بستر اندیشه‌ورزی و ایده پردازی جمعی در حوزه موضوعی جبهه مقاومت و روابط بین‌الملل می‌باشد. متن پیش رو، تلاشی از سوی اندیشکده «جبهه مقاومت و روابط خارجی» است تا از طریق تأکید مجدد بر ادراک آرمانی و عقلانی توأمان با یکدیگر که ضرورت مدیریت سیاست خارجی کشور است، مهم‌ترین کاستی‌ها و چالش‌های کشور در این حوزه را استخراج و بایستگی‌های اساسی برای دولت سیزدهم جمهوری اسلامی را در آستانه انتخابات تبیین نماید. بایستگی‌هایی که در دولت آینده جمهوری اسلامی با بهره‌گیری صحیح از رهنمودهای هفت‌گانه بیانیه گام دوم، تبدیل به راهبردها و برنامه‌های اجرایی شود.

کاستی‌های موجود:

نظام جمهوری اسلامی ایران در چهل سال نخست، متکی بر عقلانیت انقلابی در سیاست خارجی خود با «ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهانی» ثبات و امنیت ملی را تأمین کرده و موفقیت‌های بزرگی در «سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی»، «به اوج رسانیدن مشارکت مردمی»، «پیشرفت علم و فناوری» و «ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی کشور» داشته است. باین حال عرصه سیاست خارجی و مدیریت دیپلماسی کشور، دچار



چالش‌هایی در محیط بیرونی و البته کاستی‌هایی در درون است. برای حرکت در گام دوم انقلاب و دستیابی به اهداف کلان بیانیه، بازاندیشی درباره کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی و برآوردهای واقع‌بینانه از چالش‌ها، شرط اساسی خواهد بود:

- ضعف و عدم وجود راهبرد مشخص در دیپلماسی عمومی فرهنگی و نیز رسانه‌ای کشور برای تبیین گفتمان انقلاب و مدیریت تصویر ایران در افکار عمومی مخاطبان جهانی، به‌گونه‌ای که به شکل حداکثری از ظرفیت‌های گفتمانی و «شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده انقلاب» استفاده نمی‌گردد.

- نفوذپذیری فضای افکار عمومی داخل کشور در برابر جنگ شناختی دشمن، از جمله مهم‌ترین آسیب‌های کشور است که از یکسوی ناشی از فرایند جامعه‌پذیری ناقص در سیاست‌های کلان ملی است و از سوی دیگر نشان‌دهنده غلبه منافع جناحی است که اولویت‌های ملی را دستخوش تلاطم‌های جناحی لحظه‌ای ساخته و اصل «دشمن‌شناسی» را تضعیف می‌کند. دوگانه سازی‌های کاذب مانند «میدان و دیپلماسی» بجای دوگانه واقعی «اسلام و استکبار» از جمله این موارد است.

- عدم توجه ساختاری به محیط پیرامونی کشور و همسایگان به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران ضمن ارائه تعریف مناطق پیرامونی کشور (آسیای میانه، قفقاز، خلیج فارس، شامات و شبه‌قاره) تصویر روشنی از چشم‌انداز روابط را نیز برای این کشورها ترسیم نماید.

- گرایش به سازش و پیوند زدن مسائل و مشکلات داخلی به مذاکرات خارجی در سال‌های اخیر و شرطی‌سازی جامعه و اقتصاد ملی از مهم‌ترین آسیب‌های دیپلماسی کشور بوده است. این رویکرد با «بی‌توجهی به فرصت طولانی فرصت‌های مادی کشور» منجر به



تضعیف «اعتماد به نفس ملی» در داخل شده و همین امر نیز با بالا بردن امکان تحریم شونددگی، از مهم ترین دلایل و انگیزه‌هایی بوده تا دشمنان خارجی، تحریم‌های اقتصادی ظالمانه را بر ملت ایران تحمیل کنند.

- ضعف‌های جدی در عرصه دیپلماسی اقتصادی نظیر؛ عدم تعیین کارگزار اصلی در این حوزه، کمبود شدید دیپلمات اقتصادی و تجاری، وجود الگوهای متعدد و متناقض از توسعه در ادوار مختلف در کشور و ... که باعث شده است تا سیاست خارجی نتواند به «موتور پیشران» برای پیشرفت ملی در داخل تبدیل گردد.

- کم توجهی دستگاه دیپلماسی به مسائل بلندمدت مؤثر بر امنیت ملی کشور در فضای منطقه‌ای مانند؛ بحران آب، مسیرهای جهانی ترانزیت و محیط‌زیست و همچنین آرمان‌ها بزرگ فرهنگی در راستای «تحقق تمدن نوین اسلامی» به گونه‌ای که امور روزمره و جاری، وزن بیشتری در عملکردها و فعالیت‌ها پیدا کرده است.

بایسته‌ها:

همان‌طور که اشاره شد، «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت» و لذا چالش‌های پیش رو و کاستی‌های موجود مورد بررسی قرار گرفت و اینک بایستی برای گام نهادن در مسیر گام دوم به ملزومات حرکت در جهت «اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها» توجه نمود.

- توجه و ابتدای تمامی سیاست‌ها بر اساس «نظریه نظام انقلابی» مهم‌ترین بایسته برای دولت آتی خواهد بود. هدف این حرکت «تحقق الگوی حکمرانی و نظام انقلابی»، مبنای حرکت؛ «دین‌باوری» در عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی، راهبرد حرکت «پیشرفت درون‌زا-



برون نگر» در مدیریت-اقتصاد و رهروان این مسیر «نخبگان جوان» می‌باشند تا همراه با «اعتمادبه‌نفس ملی» درنهایت حرکت «سربلندی ایران» حاصل آید.

- هدف اساسی برای دولت سیزدهم جمهوری اسلامی بایستی؛ «تاب‌آوری حداکثری در برابر تحریم‌ها» و حل مشکلات کشور ناشی از شرطی‌سازی اقتصادی کشور از طریق دست‌یابی به «روابط پایدار سیاسی و اقتصادی با اولویت همسایگان» و تعریف جایگاه ایران در پیچ تاریخی نظام جهانی به‌عنوان محور ژئوپلیتیک باشد.

- «نگاه درون‌زا» و مبتنی بر شناخت و استفاده به‌هنگام از «ظرفیت‌های انسانی امیدبخش» و «فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور» شرط لازم و حیاتی برای پیشرفت و بهینه‌سازی دیپلماسی کشور است. آنچه باید تغییر کند وضعیت کنونی «تحریم شوندگی» ایران است.

- در برابر فشارهای تحریمی دشمن دست‌یابی به «بازدارندگی اقتصادی فعال» تا افاق ۱۴۰۴ برای عبور از تکانه‌های کنونی اقتصاد و آسیب‌های اجتماعی فوری، بایستی مهم‌ترین هدف عملیاتی پیشروی دولت سیزدهم است.

- عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی، شجاعت و عزم انقلابی در مجاری دیپلماتیک و تکیه به مردم، مبنای راهبرد سیاست خارجی است که بایستی متناسب با قدرت ملی تدوین گردد و از این منظر بایستی در هردو مسیر «مقاومت و مذاکره»، «میدان و دیپلماسی» با نهایت تدبیر، هوشمندانه محکم گام برداشت.

- «مذاکره» بایستی در چارچوبی متکی بر «ایران قوی» صورت گیرد تا در «مرزبندی با دشمن» از صلابت و عقلانیت برخوردار باشد. این مذاکره مطلوب، در راستای تحقق حداکثری منافع ملی، می‌تواند

«عزت ملی» به مثابه عدم سلطه پذیری و احساس غنای درونی هویت ایرانی را تقویت نماید.

- گفتمان سیاست خارجی در دولت سیزدهم متأثر از گفتمان انقلاب، همچنان بایستی وجود ظلم و سلطه در عرصه بین‌المللی را به‌عنوان مهم‌ترین مشخصه نظام بین‌المللی کنونی مورد نقد قرار داده و رویکرد جایگزین مبتنی «صلح عادلانه» و کنش مبتنی بر «مقاومت» را در مطرح سازد. اما افق آرمانی، تحقق یک «نظم مومنانه» بین‌المللی در راستای «ظهور حضرت حجت(عج)» است.

- تعهد و توجه هم‌زمان به ارزش‌های انقلابی و منافع عینی ملی، باید مبنای ورود دولت آتی به عرصه سیاست خارجی باشد که نظام جمهوری اسلامی به مدد آن می‌تواند مرزهایی هویتی برای خود ترسیم و از این طریق وارد رقابت‌های قدرت بین‌المللی در «پیچ تاریخی» جهانی شود.

- نظام بین‌الملل کنونی، پاسخگوی بحران‌های هویتی و نیاز ملتها نبوده و با افول آمریکا، لیبرال دموکراسی نیز به محاق می‌رود. در این تحول بزرگ و «پیچ تاریخی» مهم، منطقه‌گرایی نوین در حال جایگزین شدن که اهمیت همکاری‌های اقتصادی، پیشرفت دانش‌بنیان، امنیت مشارکتی، توجه به فرهنگ‌های بومی در برابر یکسان‌سازی فرهنگی غربی را آشکار می‌سازد. بر این اساس جمهوری اسلامی نیز بایستی به بازتعریف نقش جهانی و ابزارهای قدرت خود پرداخته و پرامید و اراده در جهت ارتقای طراز قدرت خود بکوشد.

- الگوی امنیت منطقه‌ای مبتنی بر جبهه مقاومت و حداقلی‌سازی مداخله فرا منطقه‌ای با خروج آمریکا، مهم‌ترین بایسته راهبرد دولت آتی در سطح منطقه باید باشد. مهم‌ترین شرط اجرای این راهبرد



هم‌سویی میان «میدان و دیپلماسی» است. در این مسیر تثبیت کشورهای جبهه مقاومت و جلب همکاری همسایگان برای ایجاد ترتیبات امنیتی مبتنی بر مشارکت کشورهای زیست‌بوم منطقه اولویت اساسی است.

- ارتقای دیپلماسی عمومی و فرهنگی جمهوری اسلامی به هدف تصویرسازی مناسب در افکار عمومی مخاطبان در سطوح مختلف همسایگان، جهان اسلام و جهان، بر پایه‌های فطرت، وحدت و عترت، راهبرد مهمی است که با اصلاحات ساختارها و نهادهای مرتبط با دیپلماسی عمومی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ای در کشور باید دنبال گردد.

- راهبرد رهایی از غرب‌محوری و ایجاد چندجانبه‌گرایی در مناسبات و روابط خارجی، از طریق فشرده‌سازی دیپلماسی با قدرت‌های نوظهور آسیایی، نهادهای اقتصادی منطقه‌ای و ایجاد باشگاه تحریمی‌ها برای رسیدن به یک بلوک سیاسی و بازار جدید اقتصادی، باید از مهم‌ترین دستور کاری دولت سیزدهم باشد.

- تقویت و توسعه سبب دیپلماسی کشور با گسترش مأموریت نهادهای متولی در حوزه‌های دیپلماسی اقتصادی، رسانه‌ای، گردشگری، علمی از یکسو و گسترش حوزه‌های جغرافیایی هدف مانند؛ شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و ... باید مورد توجه قرار گیرد. در تحقق این راهبرد اصلاح ساختارهای احیاناً فرسوده و تاریخ‌گذشته دیپلماسی کشور و هم‌سوسازی اقدامات دستگاه‌ها، ضرورت اساسی است.



۸. کاستی‌ها و بایستگی‌ها در عرصه‌ی:

سبک زندگی

سبک زندگی اسلامی عبارت است از: مجموعه رفتارهای فردی و اجتماعی منسجم و هدفمند در جهت تحقق حیات طیبه اسلامی، متناسب با محیط و واقعیات زندگی انسان ایرانی؛ به عبارت دیگر الگوی زیست توحیدی متناسب با فرهنگ ایرانی. موضوع سبک زندگی یکی از مهمترین نیازهای جامعه و نظام اسلامی مطرح شده است «برخورداري مردم از سبک زندگی دینی و رواج ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه به نحوی که ارزش‌های اصلی جامعه محسوب شود، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی است.» لذا در بیانیه گام دوم انقلاب «مقابله همه جانبه و هوشمندانه با ترویج سبک زندگی غربی» تصریح شده است. در این راستا، استنباط و ارائه سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری متناسب با جامعه، نظام و خانواده اسلامی ضروری است؛ البته که این موضوع امری تدریجی است و تحقق آن منوط به بهره برداری حداکثری از ظرفیت‌های نهادی فرهنگی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

می بایست در گام دوم انقلاب و در مرحله دوم خودسازی و جامعه‌پردازی، چارچوب کلی حرکت دولت پیش رو، با اقدامی جهادی، همه جانبه و هوشمندانه، مبتنی بر تحول، تغییر بنیادی و در مسیر بازاندیشی جدی و غیر محافظه‌کارانه و پیشرفت همه جانبه باشد و ساز و کارها و رویه‌ها را دگرگون سازد و در پی «هدایت فرهنگی جامعه» باشد و از تمام ظرفیت‌ها و امکان‌های ساختاری خویش در این راستا بهره بگیرد و از بسیاری ضعف‌ها و لغزش‌های فرهنگی برخاسته از «نفوذ سبک زندگی غربی» جلوگیری کند تا سبک زندگی اسلامی ایرانی، این زیربنا و نرم افزار تمدن سازی، نیز محقق گردد.

بر اساس چارچوب بیانیه گام دوم می‌توان موارد زیر را به عنوان مهمترین کاستی‌ها در حوزه سبک زندگی احصا نمود و به دنبال آن در جهت تحقق اهداف بیانیه، بایسته‌هایی را برای دولت آینده مطرح کرد:

کاستی‌ها:

- عدم شناخت کامل موضوع سبک زندگی اسلامی و عدم وجود نگرش تمدنی نسبت به موضوع سبک زندگی و بر همین اساس، تشتت و پراکندگی در روش‌های پرداختن به موضوع سبک زندگی اسلامی
- عدم تعیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی - ایرانی
- بحران مدرنیته و جهانی‌شدن و تأثیر آن در سبک زندگی
- غرب‌گرایی و تهاجم فرهنگی دشمن با نفوذ جریان‌های توسعه‌گرا و لیبرال در کشور، بسط اصول سبک زندگی غربی در رسانه و محصولات فرهنگی و سیاست‌های حاکمیتی و غفلت و ناآگاهی بخشی از مردم از روند استحاله برآمده از نفوذ فرهنگ غربی
- احساس حقارت و ضعف اعتماد به نفس ملی



- فاصله گرفتن و دور شدن از آموزه های اسلامی و معنویت و اخلاق
- ضعف مدیریت رسانه ای و سواد رسانه ای در معرفی سبک زندگی اسلامی ایرانی.
- ضعف اقتصادی بعنوان یکی از عوامل سلطه پذیری و نفوذپذیری در سبک زندگی.
- عدم وجود الگوی جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی.

بایسته ها:

- غالب شدن نگرش تمدنی به سبک زندگی ، به جای قرار گرفتن سبک زندگی در کنار امور دیگر، تا به مثابه زیربنا و نرم افزار به آن نگریده شده شود ، یعنی آن گاه که می خواهد از منظر تمدنی به اقتصاد و سیاست و صنعت و علم و اجتماع و ... پرداخته شود، سبک زندگی ایرانی اسلامی محور و زیر بنا و نرم افزار قرار گیرد.
- بازخوانی آموزه های اصیل اسلامی با تکیه بر منابع معرفتی اسلام، برای استنتاج الگوهای رفتاری متناسب با فرهنگ دینی و سازگار با اقتضانات عصری، با کمک و همراهی حوزه های علمیه و نخبگان این عرصه.
- توجه به موضوع «کیفیت زندگی» و شاخص سازی آن به عنوان غایت برنامه ریزی توسعه و پیشرفت و مبنای سیاست گذاری، برنامه ریزی و ارزیابی.
- ضرورت شاخص سازی کمی و کیفی از هر یک از موضوعات حوزه سبک زندگی
- واکنش واقع گرا نسبت به چالش مدرنیته و بحران هایی مثل فردگرایی و انسان محوری و که در نتیجه آن برای بشر بوجود آمده و پیش روی سبک زندگی اسلامی قرار دارد.

- ایجاد نهضت گسترده رسانه‌ای، در حوزه سبک زندگی، هم در آگاهی بخشی، هم در سنت سازی، هم در جلوه گر سازی پیروزی ها، هم در افزایش سواد رسانه ای و

- جریان سازی و خلق نهضتی بزرگ در فضای اجتماعی در جهت آسیب شناسی سبک زندگی موجود و ایجاد گفتمان غالب برای این موضوع تا بیدارسازی اذهان عمومی اتفاق بیفتد.

- دوری از احساس حقارت و دمیدن روح اعتماد به نفس در جامعه و تقویت امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی و دوری از امید کاذب و فریبنده.

- اصلاح نگرش و تقویت باورهای دینی و تلاش برای برجسته کردن معنویت و اخلاق؛ بعنوان روح تمدن و سبک زندگی

- نگاه و روحیه جهادی به سبک زندگی و تقویت سبک زندگی جهادی - اهتمام رسانه ملی به ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در هر یک از کانال‌ها و شبکه های مراکز استانی.

- ترویج گفتمان سبک زندگی اسلامی - ایرانی و اجرای آن در تعامل با رسانه های دیداری ، شنیداری و مکتوب.

- تقویت اقتصاد و توجه به عدالت و طهارت اقتصادی با نگاه انقلابی بعنوان زیربنای حیات معنوی جامعه.

- توجه به خانواده و توانمندسازی آن و حفظ کرامت و عزت زن در جامعه و خانواده و تحول و سازماندهی زنان و مادران بعنوان نقش آفرینان تمدن ساز در مسیر سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی و فمینیستی.

- تنظیم سند جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی با لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی متناسب با آموزه های اسلامی و حمایت ، پشتیبانی و تأمین



اعتبار و ایجاد سازوکار لازم در اجرای سند و همچنین واسپاری و حمایت از سازمان های مردم نهاد و تشکلهای مردمی در اجرای سند جامع

در این راستا اقدامات زیر از جانب دولت ضروری به نظر می رسد:

- اهتمام دولت به جلب مشارکت های مردمی و تشکل های مردم نهاد در عرصه ی سبک زندگی اسلامی- ایرانی در هریک از شهرها و استان های کشور

- اهتمام به ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی در وزارتخانه ها و سازمان های دولتی و عمومی؛

- ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به تفکیک شهرها و استانهای کشور

- حمایت دولت و دستگاه های اجرایی از مراکز اجرای الگوهای سبک زندگی اسلامی

- پایش مستمر وضعیت سبک زندگی اسلامی- ایرانی براساس شاخصهای مصوب و ارائه گزارش سالانه به هیأت وزیران

- متخلف بودن و اهتمام کارگزاران دولت به اجرای سبک زندگی مطلوب - ایجاد بازدارنده های قانونی برای کارگزاران دولتی که سبک زندگی مشهود غربی دارند

- تهیه منشور و شیوه نامه هایی متناسب با سبک زندگی ایرانی اسلامی در مراکز علمی ، اداری و شهرداری ها جهت گفتمان سازی و عملیاتی سازی سبک زندگی مطلوب



چند نکته پایانی:

۱. هرچند ذیل هر یک از عناوین، دستاوردهای دولت‌های گذشته و فرصت‌های پیش رو یا چالش‌ها و تهدیدها نیز می‌توانست مطرح شود، برای رعایت اختصار و تبیین وضعیت اکنون، از طرح آن‌ها خودداری و تنها به کاستی‌های کنونی و بایستگی‌های دولت سیزدهم توجه شده است.

۲. ایران، قرن جدید شمسی را با دولت جدید می‌آغازد. دولت خود را دولت مردمی می‌داند و در بین دوستان و دوست‌داران گفتمان انقلاب اسلامی توقع بالایی از آن وجود دارد، دشمنان هم هر یک با خباثت و ولع در انتظار کوچک‌ترین لغزش و اشتباه از دولت هستند، اما افق بلند تمدن‌سازی و همت بلند مردم بر سازنده افق نوینی است که دولت سیزدهم را بحق هم دولت معمار قرن آینده خواهد کرد؛ دولت مردمی می‌تواند موتور محرکه یک قرن باشد و از آنجاکه دولت‌ها در ایران معمولاً هشت‌ساله خواهند بود؛ تقریباً دهه اول قرن جدید شمسی تحت تأثیر دولت جدید نیز خواهد بود؛ دولت جدید را باید به‌مثابه خشت‌گذار اول یک قرن سرنوشت‌ساز نگریم؛ پس دولت جدید نیازمند مبادی نظری و توان تولید نظریه و سرمایه اجتماعی جامع و جدید و درانداختن فکری

نوین است، انتظار می‌رود دولت سیزدهم در تمام عرصه‌ها، یک دولت آغازگر و نواندیش باشد تا با توجه به ضروریات گام دوم انقلاب اسلامی و بهره‌برداری از توان بی‌نظیر و گنجینه‌های جوانان گام دومی چنان بیندیشند و چنان کار کند که بتوان آن را برای یک قرن تولید و مهم‌تر از آن بازتولید به کار بست.

والحمد لله رب العالمین

